



درباره لباس محلی گیلان که بازتابی از فرهنگ، رنگ، طبیعت و هویت زنان و مردان شمال است

لباس هایی از جنس فرهنگ

صفحه ۴

کشمکش بزرگ دولت، مجلس و شهرداری بر سر فرماندهی تاکسی های آنلاین

جنگ مجوزها

نامه جدید دولت، تعادل شش ساله میان اتحادیه و شهرداری ها را برهم زده و صنعت تاکسی های اینترنتی را دوباره وارد بحران مجوزدهی کرده است

این روزها سرنوشت یکی از بزرگترین بخش های اقتصاد دیجیتال ایران، صنعتی چند هزار میلیارد تومانی که با پلتفرم هایش (از اسنپ و تپسی تا تاکسیم) زندگی میلیون ها نفر را در سراسر کشور جابه جایی کند، در پیچ و خم های بوروکراتیک پایتخت در حال رقم خوردن است. کلاف سردرگم مجوزدهی و نظارت بر تاکسی های اینترنتی که گویی پس از مصوبه سال ۱۳۹۸ دولت به نفع اتحادیه کسب و کارهای مجازی، به آرامش نسبی رسیده بود، حالا با نامه ای جنجالی دوباره سر باز کرده و تهدیدی جدی برای عقب گرد در سیاست گذاری های کلان حوزه فناوری به شمار می رود.

صفحه ۲

رشد هیجانی خرید طلای آب شده در ایران؛ بازاری جذاب و پرریسک که با نبود نظارت و تقلب در عیار، سرمایه مردم را تهدید می کند

کالای پرریسک سال

صفحه ۲

گفت و گو با محمود کلاری، شاعر دوربین درباره فیلم تازه اش «آدم فروش»

قابها سخن می گویند

پیام اصلی فیلم، هشداری درباره تأثیرات ویرانگر اشتباهات کوچک بر زندگی کودکان و اهمیت مراقبت از نسل آینده است

صفحه ۵



صفحه ۷

دشواری های نفس کشیدن در سیستان

خشکسالی، قطع حق آبه هامون و ورزش بادهای ۱۲۰ روزه سیستان و بلوچستان را به کانون توفان های گردوغبار و بحران زیست محیطی بدل کرده است

صفحه ۶

بررسی ابعاد سیاسی، روانی و اقتصادی طرح حذف چهار صفر از پول ملی ایران

جراحی پول ملی

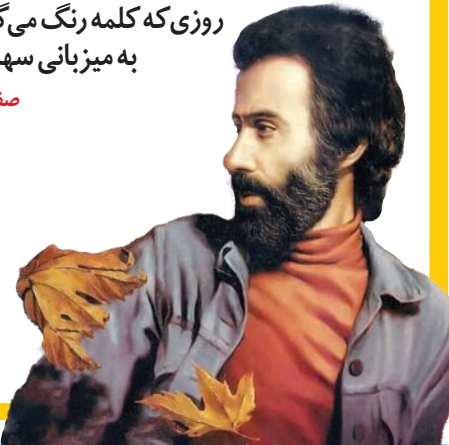
مجلس، طرح حذف چهار صفر از پول ملی را تصویب کرد تا از سال ۱۴۰۶ اجرای رسمی آن آغاز شود

صفحه ۳

زادروز نقاش لحظه ها

روزی که کلمه رنگ می گیرد: به میزبانی سهراب

صفحه ۸



یادداشت

اصالت فین در خطر نابودی

باغ فین کاشان با بحران آب، مرمت های نادرست و وعده های بی سرانجام در آستانه فرسودگی کامل قرار دارد



محمد عبدالعلی پور

هفت صبح

صبح است. چشم انداز را که باز می کنی، صدای آب جوی ها را نمی شنوی. در باغ فین، در دل کاشان، آنکه روزی جاری و زنده بود حالا زخمی شده و در سکوت می سوزد. درختان سرو کهپسنال، همان که ستون آسمان باغ بودند، کم کم پژمرده اند. چشمه سلیمانیه، منبع آب این باغ باشکوه که روزگاری دل باغ را زنده نگه می داشت، امروز نقشش به شماره افتاده است. قدم می زنی در میان راهروهای باغ، زیر سایه چنارها و هنوز آن صدای آب بریزان در گوش خاطره ها طنین می اندازد. اما اکنون بیشتر از اینکه باغ فین را ببینی، خاطره اش را حس می کنی. خاطره ای که دیگر به راستی در حال محو شدن است. چند سال پیش، وقتی باغ فین در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شد، اغلب مدیران و مسئولان محلی و کشوری جشن می گرفتند. انگار آن ثبت جهانی قرار بود نقطه آغاز حرکت بزرگ نجات باشد. اما امروز، این ثبت جهانی بیشتر به تابلویی بدل شده است. تابلویی برای نمایش در پوسترها، میز گرد ها و گزارش های خبری، نه برای عمل واقعی. تیرماه امسال مهدی جمالی نژاد استاندار اصفهان، در یادمان چهاردهمین سالروز ثبت تاریخی فین در فهرست میراث جهانی یونسکو در مراسمی گفت: «ثبت جهانی باغ فین پایان راه نیست بلکه آغاز مسئولیتی جدید است.» اما آن مسئولیت هرگز به مدیرانی که باید اجراکننده باشند، سپرده نشد. باقی ماندن در لایه تئوریک، تبدیل شد به دعوتی برای وعده گویی رسانه ای؛ کاری که امروز در وزارت میراث فرهنگی به سبک رایج بدل شده است.

مرمت هایی که در باغ فین انجام شده اند، در بعضی موارد از نوعی عمل تخریبی پنهان حرف می زنند. به جای آنکه حافظ اصالت باشند، همان هایی که به نام بازسازی انجام شده اند، خود زخم بزرگ کرده اند. در برخی موارد، آجرهای صنعتی به جای آجرهای دست ساز سنتی استفاده شده اند، یا سیمان به جای ملات سنتی آورده شده است. این مصالح مدرن نه تنها هماهنگی بصری بنا را خراب کرده اند، بلکه طوطی گیر نیستند. در بلندمدت، سیمان باعث شوره زدگی، ترک خوردن لایه های

زیرین و بالا آوردن نم های می شود. در مرمت برخی کوشک ها و گچ کاری ها، آنچه انجام شده بیشتر بازسازی سطحی است تا بازسازی آسیب ها. دیوار سفید شده اما لایه های تاریخی پشت آن حذف شده اند. این یعنی حذف بخشی از حافظه باغ، به بهای نمایی ظاهر آریب. مرمت کوشک های قاجاری و بخش های حمام با نظارت پیمانکارانی صورت گرفته که تخصص چندانی نداشته اند، نه با استادکارانی که سنت را می شناسند. نتیجه، ناهمگونی بصری و از دست رفتن اصالت است. مرمت جوی ها و شبکه که آب هم قربانی مصالح نامناسب شده است؛ بخشی از مسیرهای آبی با لوله های جدید پوشانده شده یا از مصالحی پر شده اند که عملکرد هیدرولیکی باغ را مختل کرده اند. این یعنی خیانت تاریخی به سازهای که ذاتش آب بود. شاید بزرگترین مشکل باغ فین، پراکندگی و پلاتیکلی ساختاری باشد. جایی که چندین نهاد با سهمی کوچک در باغ دخیل اند. از وزارت میراث فرهنگی گرفته تا شهرداری، ادارات آب و منابع طبیعی و نهادهای محلی و استانی. در این وضعیت، هیچ کس به درستی نمی داند مسئول چه چیزی است. اگر جوی ها خشک شوند، میراث فرهنگی می گوید مسئله با آب است. اگر حریم بصری تخریب شود، شهرداری می گوید نقشی نداشته ایم. اگر ساختمان مجاور باغ ظاهر نامنتزاسی دارد، هیچ نهاد پاسخگو نیست. این فضای خاکستری، مغفول ماندن باغ را تسهیل می کند. در نتیجه، تصمیم ها واکنشی اند، نه پیش بینی شده و پایدار. وقتی بحران پیش بیاید، مثلاً در ختی خشک شود یا جویی بایستد، دست به کار می شوند، اما پس از فروکش کردن بحران، اثری ماندگار باقی نمی ماند. هزینه های پراکنده، انرژی تلف شده و فقدان راهنمای راهبری واحدی برای آینده. یک باغ تاریخی نیاز به مدیریت تخصصی، پاسخگو و مستقل دارد، نه ساختاری شکست خورده که در آن هر کس متولی بخش خودش باشد.

باغ فین منتظر احیای عمل و تخصص است

سخنرانی های وزیر و معاونان وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی را که مرور کنید، متوجه می شوید که عمده



گزارش

هفت صبح از نمای دیگر گردش مالی سالانه کسب و کارهای آنلاین در ایران را بررسی کرد

لینک های فریب

گردش مالی سالانه کسب و کارهای آنلاین ایران از صد هزار میلیارد تومان عبور کرده است

مونا موسوی

هفت صبح

کسب و کارهای آنلاین در ایران در سال های اخیر با رشد چشمگیر مواجه شده اند. رشدی که فروش محصولات را در گروگون کرده و صنعت تبلیغات را نیز متحول ساخته است. بلاگرها و اینفلوئنسر ها به باز یگران اصلی اقتصاد دیجیتال تبدیل شده اند. گردش مالی این حوزه نیز به مرز های تازه ای رسیده است. اما مسئله اینجاست که به خاطر پول هر کس در این حوزه می کنند و از همین مسیر کسب و کار های قلابی نیز وارد چرخه فروش آنلاین شده اند و بسیاری را فریب داده اند. هر چند این مسئله تا حدودی تحت تأثیر اقدامات پلیس فتا کنترل شده اما همچنان قربانی می گیرد.

در حال حاضر تحول در سبک زندگی، گسترش اینترنت و تغییر رفتار مصرف کنندگان، بستری فراهم کرده تا فروشگاه های آنلاین، خدمات دیجیتال و تبلیغات مجازی به یکی از ستون های اصلی اقتصاد ایران بدل شوند. بلاگر ها نیز با نفوذ بالا در شبکه های اجتماعی به ابزار های قدرتمند بازاریابی تبدیل شده اند.

ابزار هایی که برندها را معرفی می کنند و رفتار خرید را نیز شکل می دهند. اما این رشد سریع دقیقاً چه ابعادی دارد؟ و چه چالش هایی در مسیر آن قرار گرفته است؟

گردش مالی سالانه کسب و کارهای آنلاین در ایران

برآوردها نشان می دهد گردش مالی سالانه کسب و کارهای آنلاین در ایران از مرز ۱۰۰ هزار میلیارد تومان عبور کرده است. بیش از ۸۷۰۰ کسب و کار اینترنتی فعال در کشور ثبت شده اند که در حوزه هایی چون فروش کالا، خدمات آموزشی، حمل و نقل، گردشگری و سلامت فعالیت می کنند. پلتفرم هایی مانند دیجی کالا، اسنپ، دیوار، فیلیمو و تربیون سهم قابل توجهی از این بازار را در اختیار دارند و نقش پیشران های اقتصاد دیجیتال را ایفا می کنند. اما در کنار اینها شرکت های کوچک و فروش خانگی و صفحات جعلی نیز فعالیت دارند.

در کنار رشد فروش، تبلیغات دیجیتال نیز به یکی از پرشتاب ترین حوزه های اقتصادی تبدیل شده است. طبق گزارش های تحلیلی، هزینه تبلیغات دیجیتال در ایران سالانه بین ۱۵ تا ۲۰ هزار میلیارد تومان برآورد می شود. بخش قابل توجهی از این بودجه صرف همکاری با بلاگرها، اینفلوئنسر ها، تولید کنندگان محتوا و کمپین های شبکه های اجتماعی و رسانه های رسمی می شود.

حوزه های پرطرفدار شامل مد و زیبایی، سبک زندگی، غذا، آموزش و سفر هستند که بیشترین تعامل را با بلاگرها دارند. ترندهای جدید نیز شامل تبلیغات ویدئویی، شخصی سازی محتوا و بازاریابی مبتنی بر داده هستند که نرخ تبدیل را به طور چشمگیری افزایش داده اند. درواقع توسعه شبکه های اجتماعی مانند اینستاگرام و شبکه ایکس و... منجر شده که ویدئو جایگزین تبلیغات متنی شود. این همان اتفاقی است که بلاگرها به دنبال آن بودند و حالا کسب و کار آنها را رونق داده است. هر چند هیچ تعریفی برای اخلاق حرفه ای در این حوزه وجود ندارد و هر محصولی را برای هر صفحه ای تبلیغ می کنند که گاهی به افراد یا جامعه آسیب وارد می کنند.

کشمکش بزرگ دولت، مجلس و شهرداری بر سر فرماندهی تاکسی‌های آنلاین

جنگ مجبوزها

نامه جدید دولت، تعادل شش ساله میان اتحادیه و شهرداری‌ها را برهم زده و صنعت تاکسی‌های اینترنتی دوباره وارد بحران مجوزدهی کرده است



یکی از بزرگترین بخش‌های اقتصاد دیجیتال ایران، صنعتی چند هزار میلیارد تومانی که به پلتفرم‌هایش (از اسنپ و تپسی تا کاسیم) زندگی میلیون‌ها نفر را در سراسر کشور جا به جا می‌کند، در دست خدای‌پس‌ها و گروهی با پتانسیل در حال وقوع خرد است. کلاف سردرگم مجوزدهی و نظارت بر تاکسی‌های اینترنتی که گوئی پس از مصوبه سال ۱۳۹۸ دولت به نفع اتحادیه کسب و کارهای مجازی، به آرامش نسبی رسیده بود، حالا با نامهای ججالی دوباره سر باز کرده و تهدیدهای جدی برای عقب‌گرد در حوزه گذاری وجود می‌رود.

ای برای دریافت دولت پیمان یافت. برای پلنگ‌های حمل و نقل و کارهای کسب و کارهای کشاورزی و صنایع و خدمات و غیره. این کارها را برای تضمین رقابت و کار بود.

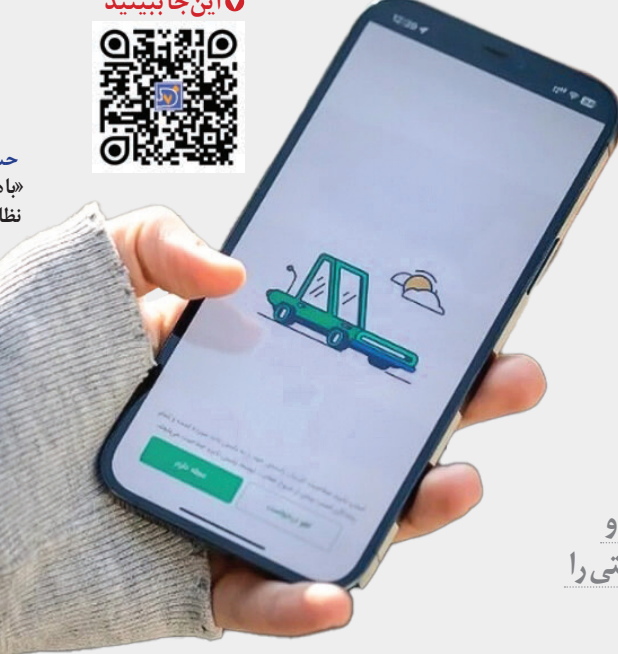
بود که ابلاغیه کابینه به اعضای
وزارتی «عمال وظایف حاکمیتی»
حمل و نقل هوشمند شهری به
ی‌ها، منتشر شد. اگر چه برخی
«واگذاری صدور مجوز» تغییر
این است که دولت بر اساس
جمله وزیر ارتباطات، اقتصاد و
تأثیر نهاد دانش‌کننده مجوز
رسد هدف اصلی نامه عامه
کشور بر اساس مصوبه قبلی بود
که صدور مجوز را به طور کامل
می‌کرد، مقاومت نشان دهد.

روایت رئیس اتحادیه کسب و کارهای مجازی: دولت با تغییر مجوزدهی مخالف است

موضوع رسمی کسب و کارهای
رئیس اتحادیه کشوری
گفت و گوی اختصاصی انجام
نشد گفت و گو با صراحت، خط قرمز
نظارت و مجوز تفکیک می کنند
ملی هست، یعنی مجوز را اتحادیه
بدهد و نظارت را تقویت کنند.

جدال شش ساله؛ از اتحادیه تابهارستان

شهرداری ها خود را در تقابل با این پلنفرم های نوظهور دیده و اصرار به در دست گرفتن اختیار مجوزدهی داشتند. برخی شهرداری ها نیز تجارب ناموفقی در رقابت با این کسب و کارهای نوظهور داشتند که بزرگترین نمونه آن، تاسیس کارپینو توسط شهرداری تهران بود. این کشمکش ها سرانجام در سال ۱۳۹۸



ما هم استقبال می کنیم از اینکه نظارت تقویت بشود. آقای عارف هم تقریباً به این موضوع اشاره کرده اند. من دولت موافق این است که مجوزها توسط افراد نادانده صادر شود. «الفلسف بر ادامه تأکید کرد که دولت بر اساس صحبت های دکتر افشین معاون علمی با شکلی از لایحه مجلس که مرعیت صدور مجوز را به وزارت کشور منتقل می کند، مخالف بوده است. وی بهر از امیادوی کرد که «احتمالش هست که لایحه مجوز گردد و امیادوار نمایندگان مجلس «توجه های شما داشته باشند»

شهرزاد، تضارب منافع و نقض «جهش تولید»

بخش جدی و حیاتی دیگری از این مناقشه، به فعالیت خود شهرداری تهران در بازار تاکسی‌های اینترنتی می‌گردد. شهرداری تهران چندی است پلتفرم شهرداری‌ها را مانده‌ای کرده و این اقدام، تنش اختلافات را شعله‌ورتر کرده است. منتقدان معتقدند نهادهای باورده به این نوع فعالیت را به عنوان «بازیگری» دچار تضارب منافع شده و منافع رقابت را به هم می‌زنند. الفتنسب در این خصوص می‌گوید:

«فعالیت «شهرداری» از از دو منظر قانونی زیر سؤال می‌آید. نخست آنکه شهرداری به واسطه کارهای مجازی، می‌تواند این پلتفرم از دو جهت قانونی در بازار جایگاه مناسبی نداشته:

۱ نقض قانون جهش تولید دانش بنیان. او به ماده ۱۰ این قانون استناد می‌کند که بر اساس آن،

لاک‌محمول نوآورانی را یک شرکت بخش خصوصی به بازار عرضه کرده باشد، هیچ نهاد عمومی یا دولتی می‌تواند محصول مشابه، این را بی‌اورد.» به گفته مفتیس، به‌شورای رقابت مرجع رسیدگی به اعتراض است و باید به این موضوع ورود کند. این اقدام شهرداری تهران، همچنین خلاف اصول و قواعد سیاست‌های کلی اصل چهل‌وچهارم قانون اساسی است که تصدی‌گری دولتی، اعطای امتیازات تبعیض‌آمیز و اخلاف را قاتل ممنوع می‌داند.

واکنش‌های بلاغیه عارف
آذری جهرمی، وزیر اسبق ارتباطات در کانال تلگرامش: «خدایا خیلی باحالین، خیلی!»
ای تند به تصمیم دولت برای سپردن مجوز تاکسی‌های اینترنتی به وزارت کشور و راه
پن آشنا، مشاور پیشین رئیس‌جمهور در شبکه‌های
سودتالای که صدواوسیمابر سکه‌های نمایش در خواست‌های
تصویری می‌کند، شهر داری هم بر سکه‌های خودروهای
در خواستی نظارت می‌کند.
تعارض منافع در هر دو مورد آشکار است،
اما مشکل اصلی، فقدان نهاد تنظیم گر
مسئلت است.»

۲ عدم دریافت مجوز قانونی، الفنت بست تأکید می‌کند که پلتفرم «شهرزاد» حتی اگر نهاد خصوصی هم باشد، باز هم مجوز به دریافت مجوز از مرجع قانونی خود است. حتی اگر شهرزاد را بخش خصوصی هم بدانیم باید بپایاد از اتحادیه کسب و کارهای مجازی مجوز بگیرد، بر اساس آیین‌نامه‌ای که سال ۹۸ مردم تصویب قرار گرفته است... ولی این کار را انجام نداده است... این نگرانی‌ها در حالی مطرح می‌شود که پیش از این نیز شهرداری تهران در سال ۱۳۹۵ با پلتفرم «کازینو» تجربه شکست در رقابت با بخش خصوصی را داشته است؛ تجربه‌ای که پس از چهار سال به پایان رسید و حالا بیم آن می‌رود که شهرزاد این به فهرست پرشمار پروژه‌های نوآورانه اما بی‌سرانجام نهادهای عمومی پیوندد و تنها سرمایه‌برندگان را هدر دهد.

سرنوشت در دست پارلمان و شورای رقابت

در یکبرزخ قانون گذاری قرار دارد. فعالان بخش خصوصی و اتحادیه کسب و کارهای مجازی با تکیه بر تجربه شش ساله موفق و موضع دولت صلب بر حفظ حریجیت اتحادیه، در برابر طرح مجلس که درموجز به شهرداری ها واگذار می کند، مقاومت می کنند. این اختلاف نظر، نه یک مجادله صنفی، که یک دگردانگی عمیق در سیاست گذاری کلان کشور است. آیا قرار است مسیر تسهیل کسب و کار، رقابت و دوری از بروکراسی های سنتی ادامه یابد، یا در سایه لپهامزدایی زک و نامه و فشار یک طرح قانونی، که دوران تاریک (امضای فلاطیسی... طرح کارهای و تضارب منافع از گردیم؟ پاسخ این پرسش، امروز بیش از هر زمان دیگری در دستان نمایندگان مجلس و قضاوتی است که شهواری رقابت باید درباره فعالیت های سامانه ای مانند «دشرباز» صادر نقض قوانین رقابت و جهش تولید دانش بنیان قرار کند. هر تصمیمی، می تواند بنده دهها هزار شغل و میلیاردها تومان سرمایه گذاری تحت تأثیر قرار دهد.

کنجد پول ساز



و قابل دسترس در اختیار همه اقشار جامعه قرار
نظارت، همین نان ساده گاه تا سه برابر قیمت رسمی
در برخی نانوایی‌ها، بربری ساده را به جای هفت هزار
هم صرفاً به خاطر چند دانه کنجد یا تغییر جزئی در

این روند به قیمت نان محدود نمی‌شود. فروش اقلام جانبی مانند کیسه پلاستیکی نیز به بستری برای سودجویی تبدیل شده است. دریافت بیش از دو هزار تومان برای یک پلاستیک معمولی، به یکی از مصادیق راجح تخلف بدل شده است اقدامی که اصول صنعتی قدیمی نانوايان را زیر پا می‌گذارد و نشان دهنده خلا جدی در معیشت است.

افزایش قیمت نان خارج از چارچوب مصوب، دلایل متعددی دارد: نبود نظارت مستمر بر واحدهای صنفی، ضعف اطلاع رسانی درباره نرخهای رسمی، قایم در ظاهر محصول به واسطه کیفیت واقعی، جمله عواملی هستند که زمینه‌ساز این بی‌نظمی شده‌اند. برخی ناوایان، حتی با دریافت از دارالانه‌ای افزایش هزینه‌های جانبی مانند انرژی و دستمزد و بهانه‌ای برای گران فروشی قرار داده‌اند. در این میان هنوز چند ما بسبز بخت به نام بازار برای توجیه قیمت‌های غیر منطقی تبدیل شده‌است. پیامدهای این وضعیت، فراتر از اقتصاد خرده‌تور، فساد اقتصادی قیمت نان در شرایط انحرافی، فشار معیشتی مضاعف بر طبقات پایین جامعه وارد می‌کند. نان، به‌عنوان قوت غالب، نقش حیاتی در تغذیه روزانه دارد و گران شدن آن مستقیم بر سفره مردم اثر می‌گذارد. از سوی دیگر، بی‌توجهی به نرخ‌های مصوب و عدم بر خود با تخلفات، اعتماد عمومی به نظام قیمت‌گذاری را تضعیف کرده و زمینه‌ساز نا رضایت اجتماعی و شکاف‌های تازه در

شکایات‌های مردمی نیز اغلب در پیچ‌وخم‌های ادار
گم می‌شوند. سامانه‌های ثبت شکایات یا پاسخگو
پیش‌بینی‌ها تا تأخیرهای طولانی مواجه‌اند. در مواردی،
حتی پس از ثبت شکایت، هیچ بازخوردی به شاکی
داده نمی‌شود و ناوای متخلف بدون هیچ تغییری به
فعالیت خود ادامه می‌دهد. این چرخه بی‌پایان، نه‌تنها
موجب سرخوردگی مردم شده، بلکه به گسترش حس
بی‌عدالتی دامن زده‌است.

نیابانان سکوت در برابر گران‌فروشی نان، به نظر
پیرایه انتخاب سیاسی است که در جای حمایت از
مصرف‌کننده، به حفظ آرامش صنفی و کنترل بازار
تورم تکیه دارد.

باز گرداندن اعتماد، نیازمند شفافیت، پاسخ‌گویی و اراده‌ای جدی برای اصلاح است. نان نباید قربانی مصلحت‌سنجی‌های تورمی شود. این کالای ساده، سنگ‌بنای عدالت غذایی است و بی‌توجهی به آن، بی‌توجهی به کرامت زندگی روزمره مردم است.

جامعه شده است. برای بازگرداندن نظم به بازار نان، مستوعای از اقدامات فوری و میان مدت ضروری است. افزایش نظارت میدانی، بر خورد با واحدهای مختلف، نصب نیت خامه‌های رسمی و اعمال جریمه‌های مؤثر باید در دستور کار قرار گیرد. همچنین، افزایش قیمت هاناشی از رشد واقعی هزینه‌های تولید است، باید با مستندات روشن و در قالب اصلاح نرخ مصوب اعلام شود. فروش اقلام جانبی مانند کیسه‌های پلاستیکی نیز با قیمت مشخص و اطلاع‌رسانی، شفاف انجام شود تا از سوءاستفاده جلوگیری از گردد. به طور قطع، ارتقای احوال حرفه‌ای در نانواها به‌ویژه درباره مسئولیت اجتماعی آنان در تأمین امنیت غذایی، می‌تواند در بلندمدت مؤثر باشد. نان‌نایاب به کالایی لوکس تبدیل شود. حفظ دسترسی عادلانه به این محصول اساسی، ضرورتی اجتماعی است و می‌تواند به آن، سفره دهک‌های پایین مرده راهت‌دیدی می‌کند.

[illegible]

شناسه آگهی : ۲۰۱۶۸۷۱

آگهی مناقصه عمومی

شهرداری بهارستان در نظر دارد با استناد به احکام پیوست بودجه سال ۱۴۰۴ نسبت به برگزاری مناقصه عمومی به شرح ذیل اقدام نماید

نام پروژه	مدت انجام کار	بر آورد اولیه (ریال)	سپرده شرکت در مناقصه (ریال)
عملیات اجرای جدول گذارى پياده روسازى جنوب خيابان الفت شهر بهارستان	۷ ماه	۴۹/۷۴۱/۲۲۴/۷۴۴	۲/۴۸۸/۰۰۰/۰۰۰

۱- متقاضیان جهت کسب اطلاعات بیشتر واخذ اوراق مناقصه مى‌توانند از تاريخ چاپ آگهى تا روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۳ نسبت به تهيه اسناد مناقصه از سامانه خدمات الکترونیک دولت (ستاد) اقدام نمایند.

۲- پیشنهاد دهندگان بايد پیشنهادهای خود را تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۳ در سامانه خدمات الکترونیک دولت (ستاد) بارگذاری نمایند .

۳- پیشنهادهای رسیده ساعت ۱۴/۳۰ بعدازظهر روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۴ در کمیسیون عالی معاملات در محل شهرداری بهارستان تشکیل و بازگشایی می‌گردد.

۴- شهرداری بهارستان در رد یک یا تمام پیشنهادها مختار است.

۵- مبلغ ونوع تضمین شرکت در مناقصه: ارائه ضمانت نامه بانکی و یا اور نقدي بابت سپرده شرکت در مناقصه بحساب IR۵۷۰۶۰۰۰۰۰۰۰۰۱۰۰۳۳۳۸۹۴۶۵۶ نزد بانک مهر ایران شعبه بهارستان (كد ۲۴۳۲).

۶- شرکت کنندگان باستی رعايت منع مداخله كاركنان دولت درمعاملات را نمائيد .

۷- برندگان اول و دوم وسوم مناقصه هرگاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان به ترتيب ضبط خواهد شد .

۸- سايراطلاعات وجزئیات مربوطه درشرح وشرايط شرکت در مناقصه واسنادمناقصه درسامانه ستاد (دولت) می باشد.

محمد مهدی فردوسی - شهردار بهارستان

بررسی ابعاد سیاسی، روانی و اقتصادی طرح حذف چهار صفر از پول ملی ایران و تأثیر آن بر اعتماد عمومی در جلسه نمایندگان مجلس

جراحی پول ملی

مجلس پس از سال‌ها بحث و بررسی، طرح حذف چهار صفر از پول ملی را تصویب کرد تا از سال ۱۴۰۶ اجرای رسمی آن آغاز شود



ارزش خود بوده و در برابر ارزهای خارجی به یکی از کم‌ارزش‌ترین واحدهای پولی جهان تبدیل شده است که متأسفانه این روند نزولی با سرعت بیش از پیش در حال طی شدن است. این وضعیت نه تنها آثار

اقتصادی، بلکه تأثیراتی عمیق بر اعتماد عمومی و غرور ملی داشته است.

در اقتصاد، پول تنها ابزار مبادله نیست؛ بلکه نماد «قدرت و ثبات» کشور است. زمانی که مردم هر روز شاهد سقوط ارزش پول ملی در برابر دلار یا یورو هستند، بی‌اعتمادی نسبت به سیاست‌گذاران اقتصادی گسترش می‌یابد. از همین رو، حذف صفرها بیش از آنکه اصلاح اقتصادی باشد، تلاشی برای بازسازی ذهنی و روانی جامعه نسبت به ارزش پول است. با این حال، تجربه کشورهای مختلف نشان داده است که تغییر واحد پولی بدون پشتوانه اصلاحات اقتصادی، تنها به «پنهان‌سازی بحران» منجر می‌شود. در ترکیه، حذف شش صفر از لیر در دهه ۲۰۰۰

سیاست‌های مالی، بودجه‌ای و بانکی، اثر اقتصادی محسوسی نخواهد داشت.»

❗ **روانشناسی پول ملی؛ بازسازی اعتماد یا پنهان‌سازی بحران؟**

بخش مهمی از انگیزه دولت‌های روحانی، رئیسی و پزشکیان و در کل ساختار تصمیم‌گیری در ایران برای حذف صفر از پول ملی، ناظر به ابعاد روانی و اجتماعی آن است. ریال، به عنوان واحد پول رسمی ایران، در دهه‌های اخیر شاهد سقوط تاریخی

حسین فاطمی

هفت صبح

دیروز یکشنبه نمایندگان مجلس شورای اسلامی با بررسی و رفع ایرادات شورای نگهبان، طرح حذف چهار صفر از پول ملی ایران را تصویب کردند؛ طرحی که بیش از یک دهه است در فضای کارشناسی و تصمیم‌سازی کشور محل بحث بوده و اکنون به مرحله اجرا نزدیک شده است. گفته می‌شود که بانک مرکزی برای اجرای این طرح دوره‌ای پنج‌ساله در نظر گرفته است. به‌گونه‌ای که از سال ۱۴۰۶ در مرحله نخست استفاده از پول جدید آغاز می‌شود و تا سال ۱۴۰۹، ریال به‌طور کامل از چرخه مبادلات حذف خواهد شد.

اگر چه در ظاهر ایسن تصمیم، اقدامی در راستای تسهیل محاسبات مالی و به‌روز کردن نظام پولی کشور به نظر می‌رسد، اما پرسش اصلی این است که آیا حذف صفرها می‌تواند معضلات ریشه‌ای اقتصاد ایران را حل کند؟ یا آنکه صرفاً تغییری ظاهری در چهره پول ملی است که بدون اصلاح ساختارهای بنیادی، سرنوشتی مشابه طرح‌های مقطعی گذشته خواهد داشت؟

❗ **دلایل رسمی حذف صفرها؛ از تورم انباشته تا هزینه چاپ اسکناس**

شمس‌الدین حسینی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس در جلسه علنی دیروز یکشنبه و هنگام بررسی ایرادات شورای نگهبان نسبت به لایحه اصلاح قانون پولی و بانکی کشور (مربوط به حذف چهار صفر از پول ملی)، توضیح داد که آنچه اکنون در صحن علنی مورد بررسی قرار گرفته، حاصل تلاش سه دولت و سه دوره مجلس است. او یادآور شد که این لایحه نخستین‌بار از سوی دولت دوازدهم به مجلس دهم ارائه شد و در اردیبهشت ۱۳۹۹ به تصویب رسید و سپس برای اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال گردید.

قبل‌تر بانک مرکزی ایران در توضیح ضرورت حذف چهار صفر، به مجموعه‌ای از مشکلات فنی و اجرایی اشاره کرده است. از جمله این موارد می‌توان به تورم انباشته چهار دهه اخیر، کاهش قدرت خرید پول ملی، افزایش غیر منطقی حجم اسکناس در گردش و مشکلات محاسباتی و حسابداری ناشی از اق‌قام بزرگ اشاره کرد. به‌ویژه در سال‌های اخیر، حجم اسکناس‌های در شت نظیر ایران چک‌ها به شکلی بی‌سابقه افزایش یافته است. هزینه چاپ، امحا و نگهداری این اسکناس‌ها نه تنها فشار مالی بر بانک مرکزی وارد می‌کند، بلکه امنیت مبادلات نقدی را نیز کاهش می‌دهد.

از سوی دیگر، مردم عملاً از سال‌ها پیش چهار صفر را از ریال حذف کرده‌اند. در معاملات روزمره کمتر کسی میلیلی را با لفظ ریال بیان می‌کند. وقتی فروشنده می‌گوید «۵۰ تومان»، منظور او در واقع ۵۰۰ هزار ریال است. از این منظر، تصمیم دولت و مجلس در پی رسمی‌سازی عرفی اجتماعی است که در اقتصاد ایران سال‌هاست به‌طور غیررسمی جریان دارد.

با این حال، کارشناسان اقتصادی تأکید می‌کنند که هدف این طرح، تغییر مسیرهای واقعی اقتصاد نیست. کما اینکه میثم ظهوریان، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس مرداد ماه امسال گفته بود که «حذف صفرها نه موجب کاهش تورم می‌شود و نه رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد. بلکه تنها کارکرد آن، ساده‌تر کردن محاسبات و شفاف‌تر شدن صورت‌های مالی است». به عبارت دیگر، «این سیاست ماهیتی شکلی دارد و بدون اصلاح

چراغ دانش در خطر خاموشی

روز جهانی معلم با اعلام خبر کمبود ۴۴میلیون نفر از این صنف تا سال ۲۰۳۰ عجین شد

رامتین لطیفی

دبیر بین‌الملل

در نگاهی عمیق، معلمان بیش از انتقال‌دهندگان دانش هستند. آنها معماران آینده جوامع‌اند، کسانی که نه‌تنها دروس را آموزش می‌دهند، بلکه ارزش‌های اخلاقی، مهارت‌های زندگی و اعتماد به‌نفس برای ساختن فردا را در دل دانش‌آموزان می‌کارند. از دوران باستان تا عصر دیجیتال، یا به عبارتی از سقراط که پرسش‌گری را به بشریت آموخت تا معلمان مدرن که در کلاس‌های مجازی، نسل جوان را برای چالش‌های جهانی مانند تغییرات اقلیمی و هوش مصنوعی آماده می‌کنند، معلم نماد امید و پیشرفت بوده و نقشی فراتر از دیوارهای کلاس درس داشته است. روز جهانی معلم که هر سال در پنجم اکتبر گرامی داشته می‌شود، یادآوری این نقش حیاتی است. این روز در سال ۱۹۹۴ توسط یونسکو برای گرامیداشت توصیه‌نامه ۱۹۶۶ درباره جایگاه معلمان تأسیس شد، سندی که استانداردهای جهانی برای حقوق، آموزش و شرایط کاری معلمان را تعیین کرد. یونسکو در سال ۲۰۲۵، با تم «بازسازی معلمی به عنوان حرفه‌ای مشارکتی»، بر همکاری بین دولت‌ها، معلمان و جوامع تأکید دارد تا این حرفه را جذاب‌تر و پادارتر سازد. این تم، پاسخی به چالش‌های پساکروناوی است، جایی که نرخ ترک شغل معلمان دو برابر شده و کمبود نیروی انسانی در این عرصه حساس و حیاتی، آموزش را به بحرانی بزرگ و خطرناک کشانده. امروز، ارزش و جایگاه معلمان بیش از پیش پیدای و هویدا شده و بیش از هر زمان، نیاز به قدردانی واقعی از رزمندگان این عرصه احساس می‌شود.

❗ **تصویر تلخ، به روایت آمار**

جهان در سال ۲۰۱۹ حدود ۹۳.۷ میلیون معلم داشت اما این عدد برای آموزش تمام کودکان محصل جهان کافی نیست. براساس گزارش جدید یونسکو در ۲۰۲۴، تا سال ۲۰۳۰ نیاز به ۴۴ میلیون معلم جدید برای آموزش ابتدایی و متوسطه وجود دارد. از این تعداد، ۱۸.۵ میلیون معلم فقط برای ثبت‌نام کودکان بازمانده و محروم از تحصیل لازم است. کودکانی که بدون معلم، شانس یادگیری و ساخت آینده به دست خودشان را از دست می‌دهند. این کمبود جهانی است. دستمزدهای پایین، شرایط کاری سخت، زمام کاری بالا و کمبود امکانات آموزشی، جذابیت حرفه معلمی را برای بسیاری از بین برده است. در حالی که جهان به سمت اهداف توسعه پایدار پیش می‌رود، این بحران می‌تواند پیشرفت بشر را متوقف کند. یونسکو هشدار می‌دهد که بدون سرمایه‌گذاری در آموزش معلمان، میلیون‌ها کودک از حق تحصیل محروم خواهند ماند و بحران ساکنانی بی‌سواد زمین، به بحرانی تبدیل خواهد شد که

کیوسک



واشنگتن پست آمریکا، تیتیر اصلی خود را به خشونت عجیب نیروهای اداره مهاجرت آمریکا در ایالت شیکاگو اختصاص داد؛ مامورانی که به خشن ترین شکل، زنان را نیز مضروب کردند.

هاندلسبلات آلمان، عکس و تیتیر اصلی خود را به پیشرفت شگرف کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در زمینه هوافضا و بیوتکنولوژی اختصاص داد.

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



تیلور سوئیفت گیشه را تسخیر کرد!

فیلم «تیلور سوئیفت: مهمانی رسمی انتشار یک شوگرل» در روز نخست اکرانش، ۱۵.۸ میلیون دلار فروش داشت و صدرنشین باکس آفیس شد. این اثر ۸۹ دقیقه‌ای که به مناسبت انتشار دوازدهمین آلبوم استودیویی تیلور سوئیفت به نام «زندگی یک شوگرل» ساخته شده، تنها از ۳ تا ۵ اکتبر در بیش از ۳۷۰۰ سالن سینما اکران شد. تیلور سوئیفت بار دیگر قدرت نفوذ خود در بازار هنر و سرگرمی را اثبات کرد و یک رویداد محدود را به پدیده بزرگ فرهنگی تبدیل نمود. این فیلم ترکیبی از بخش جهانی موزیک‌ویدیوی «سرنوشت اوفلیا»، تصاویر پشت‌صحنه، ویدیوهای زیرنویس شده برای تمام آهنگ‌های آلبوم و تأملات شخصی سوئیفت درباره ترانه‌هاست. بلیت‌ها با قیمت نمادین ۱۲ دلار به یاد آلبوم دوازدهم عرضه شدند و شرکت ای‌ام‌سی از پر شدن ظرفیت سالن‌ها در تمامی شهرهای بزرگ خبر داد. نکته جالب اینکه فیلم بالاترین نمره و امتیاز: را از سینماسکور دریافت کرده که نشان‌دهنده کیفیت بصری آن است. این موفقیت، دو سال پس از رکوردشکنی فیلم کنسرت «تور اراس» با ۹۶ میلیون دلار فروش در افتتاحیه، قدرت بی‌بدیل سوئیفت در جذب مخاطب، حتی در سالن‌های سینما را تأیید می‌کند.

تیلور سوئیفت





مریم محمودخواه
هفت صبح

باران نرم و بی‌وقفه بر سقف‌های شیروانی خانه‌های می‌بارد، بوی خاک نم‌خورده در کوچه‌ها پیچیده و هوای آبری و بوی خاک؛ دل از هر رهگذری می‌برد. هوا بوی زندگی می‌دهد و زمین سخاوتی بی‌نهایت دارد! آسمان همیشه دلش برای اهالی می‌تپد و با باران‌های بی‌وقفه، غصه را از دل مردم این مدار جغرافیایی پاک می‌کند. اینجا گیلان است! قطعه‌ای از بهشت که با آسمان آبی و زمین سبزش چنان مردمش را سیراب از نعمت می‌کند که بی‌نیازند از هر چه نیاز.

بوی برنج و ماهی و باران و دریا

در میان شالیزارهایی که بوی برنج و شالی، آدمی را مست می‌سازد و درمیان سبز آبی زمین و دریا، اولین چیزی که چشم را خیره می‌کند، رنگارنگی لباس زنان محلی است؛ لباس‌هایی که گویی خودشان ادامهای از جنگل‌های سبز و شالیزارهای درخشان‌اند. سفر من به گیلان برای نوشتن این گزارش، سفری به گذشته و حال است؛ به دنیایی که در آن پارچه‌های چهارخانه، جلیقه‌های زری‌دوزی و کفش‌های دست‌دوز، زبان گویای تاریخ و هویت مردمی‌اند که هنوز به ریشه‌هایشان وفادار مانده‌اند. مردم گیلان ریشه در دریا دارند و زمین و لباس‌هایشان به رنگ طبیعت است. در لباس‌های مردم گیلان پارچه‌های زیادی به کار می‌رود که نشان از سخاوت آنان دارد. همان‌طور که برنجی که از زمین برداشت می‌کنند، ماهی که از دریا می‌گیرند و بارانی که از آسمان می‌بارد را با دیگر مردمان این سرزمین تقسیم می‌کنند. لباس‌های گیلانی در بسیاری از آیین‌های بومی نقشی کلیدی دارند. مثلاً در آیین‌های برداشت برنج، زنان با چادرشب‌های رنگارنگ به مزارع می‌روند و این پوشش، نه‌تنها محافظت از آفتاب و رطوبت است، بلکه نمادی از شادی حاصل از برداشت محصول هم هست. در مراسم عزاداری محرم، رنگ مشکی غالب می‌شود و زنان چادرشب‌های ساده و بی‌تزئین می‌پوشند.

رنگارنگ همچون لباس زنان گیلانی

لباس زنان گیلان به دلیل تنوع رنگ، طرح و لایه‌بندی از جذاب‌ترین نمونه‌های پوشش سنتی ایران به شمار می‌آید. این پوشاک اغلب ترکیبی از دامن‌های چین‌دار، پارچه‌های چهارخانه و جلیقه‌های پرکار است که در کنار روسری‌های گل‌دار، هویتی منحصر به‌فرد به زنان گیلانی بخشیده است. مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین بخش پوشاک زنان گیلان پارچه‌ای چهارخانه و رنگارنگ به نام چادرشب است که به شکل دامن بلند استفاده می‌شود. رنگ‌های سرخ، آبی، سبز و زرد در آن بیشترین کاربرد را دارند. چادرشب علاوه بر کاربرد روزمره در مزارع و خانه، در آیین‌های محلی نیز جایگاه ویژه‌ای داشته و نمادی از نشاط، پویایی و روحیه کار زنان گیلانی است. شلیته دامن کوتاه و پرچین‌است که زیر چادرشب پوشیده می‌شود. جنس آن معمولاً از نخ یا مخمل است و با نواردوزی و قلاب‌دوزی تزئین می‌شود. شلیته به زنان امکان حرکت آزادانه در فعالیت‌های روزانه و نیز رقص‌های محلی را می‌داده است. این لباس نمادی از سرزندگی و جنب‌وجوش زنان شمالی است. «یل» جلیقه‌ای مخملی یا ابریشمی که اغلب با سکه‌دوزی و زری‌دوزی آراسته می‌شود. این بخش از لباس بیشتر در مهمانی‌ها و مراسم خاص کاربرد داشته و نشان‌دهنده وضعیت اقتصادی خانواده بوده است. زنان مسن بیشتر از لچک (روسیری مثلثی) استفاده می‌کردند و زنان جوان به روسری‌های گلدار بزرگ علاقه‌مند بودند. طرح‌های گلدار ارتباط مستقیم با طبیعت سرسبز گیلان داشت و نشان‌دهنده روحیه لطیف زنان بود. چوموش یا (چارق) نیز کفش چرمی دست‌دوز است که مقاومت بالایی در برابر رطوبت و سرما دارد. این کفش اغلب توسط زنان کشاورز و دامدار استفاده می‌شده است.

لباس محلی گیلان که بازتابی از فرهنگ، رنگ، طبیعت و هویت زنان و مردان شمال است



بازار همیشه زنده رشت

سفرم به بازار رشت سفری بی‌همتا بود چراکه این بازار همیشه پر از صداست؛ بوی ماهی تازه، ترشی‌های رنگارنگ، سبزی‌های کوهی و فریاد فروشندگان، فضایی می‌سازد که شبیه به هیچ کجای دنیا نیست. در میان این شلوغی، چشمم به زنی افتاد که با چادرشب چهارخانه قرمز و سبز، از کنار بساط پارچه‌فروشی می‌گشت. دامنش با هر قدم موج می‌خورد و برق نواردوزی شلیته‌اش از زیر چادرشب پیدا بود. آمنه، زنی حدوداً ۵۰ساله از روستاهای اطراف قومن بود. صدا و نگاهش چنان صمیمی بود که انگار بخشی از همان رنگ‌ها و نقش‌هاست. وقتی از او پرسیدم چرا هنوز لباس سنتی می‌پوشد، با لجه شیرین تالش گفت: «دختر جان، این لباس برای ما مثل

شناسنامه‌ای

مادرم با همین چادرشب در شالیزار کار می‌کرد. وقتی باران می‌گرفت، همین پارچه رو به دورش می‌پیچید و ادامه می‌داد. راحت، سبک و قشنگ است. مگه چیزی بهتر از این هست؟» زینب، پیرزنی که شلیته آبی و جلیقه مخملی سبز بر تن داشت و برای خرید گل‌گاوزبان به بازار آمده بود، درباره لباسش می‌گوید: «ما لباس‌هایمان را خودمان می‌دوختیم. پارچه را یا می‌خریدیم یا خودمان می‌بافتم. هر سوزن‌دوزی و نواردوزی که روی لباس هست، حکایت یک زن گیلانی‌ست که شب‌ها کنار چراغ نشسته و دلش را روی پارچه گذاشته است.»

لباس مردم گیلان برای آن‌ها فقط پوشاک نیست؛ بلکه یک داستان زنده از زندگی و عشق‌شان به کار و زمین است.

لباس مردان گیلانی

می‌شد: قرمز و نارنجی، نماد شادی و انرژی؛ سبزر، یادآور جنگل‌ها و باران؛ آبی، نشانی از دریای خزر؛ و مشکی، نشانه عزاداری. برای زنان گیلانی انتخاب رنگ تصادفی نیست. هر رنگ معنایی دارد و در هر مراسم، رنگی خاصی جلوه می‌کند. در عروسی‌های سنتی، زنان با دامن‌های رنگین و شلیته‌های پرچین در کنار موسیقی محلی، فضایی شاد و پر نشاط خلق می‌کردند. در مراسم عزاداری، پوشش‌ها به سمت رنگ‌های تیره و ساده می‌رفت تا احترام به آیین حفظ شود. امروزه همچنان زنان سنتی‌تر در عروسی‌ها لباس قاسم‌آبادی بر تن دارند و برخی زنان جوان نیز هنگام پایکوبی این لباس را می‌پوشند و رقص مخصوص آن را دارند. امروزه با گسترش صنعت گردشگری و توجه به بومگردی، لباس محلی گیلان به یکی از جاذبه‌های مهم فرهنگی تبدیل شده است. گردشگران داخلی و خارجی در سفر به روستاهای گیلان با پوشاک سنتی مواجه می‌شوند که بخشی از تجربه ناب سفر آنها را می‌سازد. بسیاری از جشنواره‌های محلی و نمایشگاه‌های صنایع دستی، لباس‌های سنتی را به‌عنوان عنصری هویتی معرفی می‌کنند. تولید این پوشاک نیز منبع درآمدی برای صنعتگران محلی و زنان روستایی به شمار می‌رود. جالب است که لباس سنتی گیلان تنها در موزه‌ها یا مراسم سنتی باقی‌مانده است. طراحان مد ایرانی و حتی خارجی در سال‌های اخیر از طرح‌های چهارخانه چادرشب، چین‌های شلیته و رنگ‌های شاد آن در طراحی‌های مدرن الهام گرفته‌اند. لباس‌های الهام‌گرفته از گیلان در برخی فشن‌شوهای به‌نمایش درآمده و توجه می‌دهد که لباس محلی می‌تواند با حفظ اصالت، خود را با دنیای امروز هماهنگ کند.

سفری به کوهستان ماسال

چند روز بعد به ماسال رفتم؛ جایی که کوه‌ها در مه پنهان‌اند و خانه‌ها بر دامنه‌ها نشسته‌اند. هوای سرد و رطوبت کوهستان، دلیل اصلی ضخیم‌تر بودن لباس‌های مردان و زنان این منطقه است. در این منطقه معمولاً هوا سرد است و پاها به‌خوبی پوشیده می‌شود.

نماد رنگ‌ها در دل طبیعت

در مسیر بازگشت، باران تند گرفت. دامن‌های چهارخانه زنان که در کوچه‌های روستا دیده می‌شد، در مه باران مثل پرچم‌هایی رنگی می‌رقصیدند. در ذهنم معنای رنگ‌ها مرور

زیست بوم

صید غیر مجاز پرندگان شکاری در پارک ملی بوجاق هشدار محیط زیست را فعال کرد

تجارت سیاه بازها و شاهین‌ها

زنده‌گیری و قاچاق پرندگان مهاجر به کشورهای حاشیه خلیج فارس میلیاردها تومان درآمد دارد



لیلا مرگن
هفت صبح

فعالان محیط زیست گیلان خبر می‌دهند که پارک ملی بوجاق به محلی برای دام گسترش و صید پرندگان مهاجر شکاری تبدیل شده است. پرندگانی که زنده‌گیری می‌شوند، با قیمت میلیاردی به کشورهای حاشیه خلیج‌فارس فروخته می‌شوند و این تجارت، زمینه‌انقراض نسل این پرندگان که نام بیش‌ترشان در لیست قرمز اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت قرار دارد را فراهم می‌کند. مدیر کل محیط زیست گیلان با تأیید این خبر از تلاش برای کنترل شکار غیر مجاز سخن می‌گوید. فصل مهاجرت پرندگان شکاری فرا رسیده و چندی است که پرواز طولانی شکارگران طبیعت از عرض‌های جغرافیایی شمالی شامل اروپای شمالی و آسیای میانه به سمت مناطق جنوب آغاز شده است. پرندگان شکاری بعد از عبور از دریای خزر و استان‌های شمالی، راهی جنوب کشور می‌شوند تا زمستان را پشت سر بگذارند. برخی هم مسیرشان را بر روی خلیج فارس و دریای عمان ادامه می‌دهند تا در کشورهای جنوبی این دو پهنه آبی، با اتمام فصل سرما دوباره به سرزمین اصلی باز گردند اما گویا اهالی شمال که تادیروز فقط پرندگان حلال گوشت را شکار می‌کردند، حالا مثل ساکنان جنوب ایران تصمیم دارند با زنده‌گیری پرندگان شکاری، در تجارت میلیاردی قاچاق این گونه‌ها مشارکت داشته باشند. فعالان محیط زیست گیلان خبر می‌دهند که مهاجرت پرندگان شکاری از نیمه دوم شهریور ماه به شمال ایران آغاز شده و این روزها متأسفانه بازگریان بومی در جای جای منطقه حفاظت شده بوجاق در کمین هستند تا این پرندگان را به دام اندازند. از آنجا که قیمت هر پرند شکار حدود چند میلیارد تومان است، صید این گونه تجارنی پرسود برای متخلفان به شمار می‌رود.

نبود آمار دقیق از زنده‌گیری پرندگان شکاری

جستجو در منابع ما را به آمار دقیقی از صید و قاچاق پرندگان شکاری نمی‌رساند. فقط می‌دانیم که این پدیده از مدت‌ها قبل در ایران و برخی کشورهای همسایه رواج داشته است. بر اساس گزارش منابع بین‌المللی سالانه حدود پنج میلیون پرند مهاجر که شکاری‌ها را هم شامل می‌شود از مرزهای ایران عبور می‌کنند اما ما میزبان خوبی برای این پرندگان نیستیم و برای آنها دام پهن می‌کنیم. اردک‌ها سر

از قابله غذا در می‌آورند و بازها برای تفریح اعراب، زنده‌گیری شده و به این کشورها منتقل می‌شوند. در سال ۱۴۰۳ تعداد پرندگان شکاری که از ایران عبور می‌کنند، حدود یک میلیون بال گزارش شده است. اگرچه آمار دقیقی از صید پرندگان شکاری در دسترس نیست اما حسن اکبری معاون سابق محیط طبیعی سازمان حفاظت محیط زیست دو سال قبل، از کشف ۷۰۰ قطعه هوبره توسط مأموران یگان حفاظت محیط زیست و نیروی انتظامی خبر می‌دهد و تخمین می‌زند که چند هزار قطعه از این پرند غیر شکاری طی دهه اخیر از ایران خارج شده و طی سال‌های اخیر مشابه این اتفاق برای بالابان، شاهین و برخی دیگر از پرندگان شکاری بومی کشورمان نیز در حال رخ دادن است.

شیوع زنده‌گیری در جنوب کشور

صادق صادقی زادگان رئیس سابق گروه پرندگان سازمان حفاظت محیط زیست در گفت‌وگو با «هفت صبح» صید پرندگان شکاری را به صورت تله‌گذاری و دام‌گذاری یکی از شیوه‌های رایج در جنوب کشور معرفی می‌کند. به گفته او، در جزایر خلیج فارس عمدتاً باز‌های شکاری زنده‌گیری می‌شوند زیرا این پرندگان به کشورهای حاشیه خلیج فارس قاچاق می‌شوند. در جنوب خلیج فارس نیز پرندگان شکاری پرورش پیدا می‌کنند که از آنها برای شکار دیگر پرندگان به خصوص هوبره استفاده شود. آن‌طور که صادقی زادگان می‌گوید: میل به زنده‌گیری در گونه‌هایی مثل عقاب کمتر است اما پرندگان واسط مثل دلپچه همچنین باز‌های شکاری شامل بحری و شاهین خریدار دارند. گاهی عقاب‌ها هم برای مقاصد دیگر مثل تاکسیدرمی در شکار می‌شوند. تجارت پرندگان شکاری به صورت زنده مطمئناً گردش مالی زیادی دارد زیرا خریداران، شیوخ عرب هستند اما برآوردی از این بازار وجود ندارد و باید به آمارهای رسمی سازمان حفاظت محیط زیست که بر اساس کشفیات از متخلفان تنظیم می‌شود، مراجعه کنیم. گویا قاچاق پرندگان شکاری فقط خاص ایران نیست و رئیس سابق گروه پرندگان سازمان حفاظت محیط زیست از زنده‌گیری پرندگان شکاری در کشورهای نظیر افغانستان، پاکستان و عراق خبر می‌دهد. نام بسیاری از گونه‌های پرندگان شکاری در لیست قرمز اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت (IUVN) قرار دارد و روند جمعیت این پرندگان رو به نزول است. صادقی زادگان شکار غیر مجاز و زنده‌گیری

را عامل بسیار مهمی در کاهش جمعیت باز‌های شکاری شامل دلپچه و بحری می‌داند. مسمومیت غذایی به دلیل مصرف ضایعات مرغاری‌ها و استفاده از دیکلوفاک در این محیط‌ها را عاملی برای کاهش جمعیت انواع لاشه‌خوارها شامل کرکس‌ها و کورکورها معرفی می‌کند و برخی گزارش‌های منتشر شده درباره برخورد پرندگان شکاری با توربین‌های بادی را هم عامل دیگری می‌داند که بر خانواده بزرگ پرندگان شکاری می‌تواند تأثیر گذار باشد.

افراد بومی، مشغول صید پرندگان شکاری اگرچه رئیس سابق گروه پرندگان سازمان حفاظت محیط زیست صید پرندگان شکاری را پدیده‌ای متداول در جنوب می‌داند اما فرهاد حسینی طایفه مدیر کل محیط زیست گیلان به «هفت صبح» می‌گوید: این پدیده در تمام مناطق ایران شایع است. او با تأیید صید غیر مجاز پرندگان شکاری در پارک ملی بوجاق، متخلفان را افراد بومی منطقه معرفی می‌کند که دست به چنین اقدامی می‌زنند اما محیط زیست هم با استقرار نیرو و گشت‌زنی مانع انجام تخلفات در این پارک ملی می‌شود.

به گفته مدیر کل محیط زیست گیلان، روز جمعه گذشته ادواتی از متخلفان ضبط شده و پایش‌های محیط‌بانان در منطقه به صورت متداول در طول فصل مهاجرت پرندگان شکاری پیگیری خواهد شد. حسینی طایفه به دلیل حضور در ابتدای فصل، آمار دقیقی از اکتشافات پرندگان زنده‌گیری شده ندارد و ارائه این آمار را به آخر فصل ارجاع می‌دهد اما تأکید می‌کند که مسئله شکار در پارک ملی بوجاق آن‌قدر حاد نیست که نتوان این پدیده را کنترل کرد. او درباره آمار پرندگان شکاری که از گیلان عبور کرده و به مناطق جنوبی می‌روند هم آماری ارائه نمی‌دهد و صرفاً به این نکته اکتفا می‌کند که یک گروه مطالعاتی تحت مدیریت محیط زیست گیلان در حال کار روی جمعیت این پرندگان است و در پایان فصل مهاجرت، گزارش این مطالعه در اختیار رسانه‌ها قرار می‌گیرد. اگرچه مدیر کل محیط زیست گیلان زنده‌گیری پرندگان شکاری در ایران را پدیده‌ای تحت کنترل معرفی می‌کند اما به نظر می‌رسد این سازمان توفیق چندانی در کنترل این پدیده نداشته است. چرا که دام‌گذاری برای پرندگان شکاری در حال تسری یافتن در سراسر کشور است. تجارت پرسود قاچاق پرندگان شکاری به دنبال معضلات اجتماعی و نبود شغل مناسب در کشور، ایران را به محلی ناامن برای پرندگان مهاجر تبدیل کرده‌است و به نظر می‌رسد که باید برای این معضل، چاره‌ای جدی اندیشیده شود.

شناسه آگهی: ۲۰۱۴۷۶۶

نوبت دوم



اداره کل راه و شهرسازی
استان آذربایجان شرقی

فراخوان عمومی

اداره کل راه و شهرسازی استان آذربایجان شرقی با نمایندگی سازمان ملی زمین و مسکن در نظر دارد تعدادی از املاک تحت مالکیت خود را در سطح استان از طریق فراخوان عمومی به شرح ذیل و در قالب شرایط مندرج واگذار نماید.

فرآیند مزایدهات فقط از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ممکن می باشد، دریافت اسناد، پرداخت تضمین، ارسال اسناد و ارائه پیشنهاد قیمت طبق شرایط مندرج در آگهی در بستر سامانه ممکن بوده و برای شرکت در مزایده ملزم به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (توکن) می‌باشند. دریافت اسناد از سامانه ستاد ایران (بخش مزایده دستگاه اجرایی) از ساعت ۱۴:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۲ تا ساعت ۱۹:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۹ مقدور خواهد بود و نهایتاً ساعت ۱۰:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۳۰ آخرین مهلت امضاء و بارگزاری مدارک و اسناد و درج قیمت در سامانه ستاد می‌باشد، همچنین در صورت پرداخت غیر الکترونیکی تضمین شرکت در فراخوان فرصت تحویل پاکت الف به اداره واگذاری اداره کل در ساختمان ولیعصر ساعت ۱۰:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۳۰ می‌باشد، کلیه پیشنهادهات واصله ساعت ۱۰:۳۰روز چهار شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۳۰ درسالن کنفرانس اداره کل راه و شهرسازی استان بازگشایی خواهد شد.

متقاضیان می توانند در صورت نیاز جهت کسب اطلاعات بیشتر به اداره کل راه و شهرسازی استان آ (به نشانی: تبریز – سرایلابی ولیعصر) مراجعه نمایند.

وبسایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) www.setadiran.ir - کد دستگاه مزایده گزار: ۹۱۵۹۷
<https://azarsharghi.mrud.ir> پایگاه اینترنتی اداره کل راه و شهرسازی استان آذربایجان شرقی

تلفن مرکز راهبری و پشتیبانی سامانه ستاد ایران: ۱۴۵۶
تلفن مسئول مزایده اداره کل راه و شهرسازی استان: ۵۶ – ۰۵۱ ۳۳۶۹۱۰۴۱ داخلی ۱۰۵

فراخوان عمومی

شماره مزایده در بخش اموال غیرمنقول سامانه ستاد ایران: ۲۰۰۴۰۹۱۵۹۷۰۰۰۰۰۸

شماره مال در سامانه: ۲۱۰۴۰۹۱۵۹۷۰۰۰۰۰۵۳

این واگذاری در قالب ماده ۱۰۰ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت میبایشد. صرفاً دارندگان مجوز یا موافقتنامه اصولی از مبادی ذیربط میتوانند در این فراخوان شرکت نمایند. ملاک تعیین برنده، بررسی پیشنهاد متقاضیان از لحاظ بالاترین مبلغ کل پیشنهادی، بیشترین درصد پرداخت نقدی و کمترین مدت بازپرداخت اقساط با رعایت محدودیت و شرایط و نحوه پرداخت مندرج میبایشد. در صورت برنده شدن، مهلت پرداخت مبلغ پیشنهادی، حداکثر ۱۰ روز کاری پس از ابلاغ خواهد بود.

ردیف	شناسه / شماره / قطعه / پلاک / بخش ثبتی	کاربری	مساحت عرصه (متر مربع)	قیمت پایه هر متر مربع (ریال)	قیمت پایه کل (ریال)	مبلغ تضمین شرکت در مزایده (ریال)	شرایط واگذاری و نحوه پرداخت
۵۳	قطعه زمین ۷۶۱ از پلاک ۱/۱۰۰۶ بخش ۹ تبریز	ورزشی	۲۶۸۵/۶۶	۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱,۰۷۴,۲۶۴,۰۰۰,۰۰۰	۳۸,۵۸۵,۲۸۰,۰۰۰	پرداخت حداقل ۳۵ درصد نقد و مابقی در اقساط حداکثر ۱۵ ساله
نشانی: تبریز – کوی نصر –							

برندگان زمین فراخوان با کاربری درمانی میبایست پس از انعقاد واگذاری ظرف مدت ۳ماه نسبت به اخذ پروانه ساختمانی اقدام و نسبت به احداث و اتمام بنا مطابق طرح تأیید شده در موعد مقرر در پروانه ساختمان اقدام نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۱۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۷/۱۴

گفت‌و‌گو با محمود کلاری، شاعر دوربین درباره فیلم تازه‌اش «آدم فروش»

قاب‌ها سخن می‌گویند

● پیام اصلی فیلم، هشدار ی درباره تأثیرات ویرانگر اشتباهات کوچک بر زندگی کودکان و اهمیت مراقبت از نسل آینده است

تولد یک فیلم:

قصه‌ای عجیب و غیرمنتظره

ماجرای ساخت «آدم‌فروش» از جایی شروع می‌شود که کمتر کسی انتظارش را دارد. کلاری با لبخندی که گویی هنوز آن لحظات را باور ندارد، روایت را آغاز می‌کند: «خیلی عجیب بود. با پیشینه رفتاری من و تجربیاتم در کارگردانی، شاید حتی برای خودم هم شگفت‌انگیز بود. بعد از «ابر و آفتاب»، چندین بار تصمیم به ساخت فیلم گرفتم. طرح‌هایی داشتم که به تهیه‌کننده‌ها ارائه دادم، اما آن سینمایی که من دوست داشتم، کمی سنگین‌تر و کندتر بود، شبیه سینمای آقای کیارستمی. تهیه‌کننده‌ها هم حق داشتند، می‌گفتند این فیلم‌ها قرار نیست بفروشد و سودی بکند و رغبتی نشان نمی‌دادند. آن روزها تهیه‌کننده‌ها خودشان پول خرج می‌کردند، مثل امروز نبود که سرمایه‌گذارها پشت صحنه باشند.»

این قصه ادامه داشت تا یک روز سر صحنه فیلم‌برداری فیلم «رگ‌های آبی» که به زندگی فروغ می‌پردازد در خانه‌ای قدیمی حوالی خیابان شاپور. «قای اوجی آمد و به من گفت یادتان هست جایی همدیگر را دیدیم و شما گفتید چند ایده برای ساخت داشته‌اید اما تهیه‌کننده‌ها رغبت نکردند؟ گفت اگر همچنان تصمیم دارید فیلم بسازید، ما هستیم. من اول جدی نگرفتم. از این موارد چندین بار برایم پیش آمده بود؛ با چندین نفر بارها جلسه گذاشته بودم و راجع به پروژه صحبت کرده بودیم، ولی بعد دیگر خبری نشده بود. با خودم گفتم این هم لابد از همان هاست. اما سه روز بعد زنگ زد و گفت: چی شد؟ قرار گذاشتیم و من سه ایده را برایشان تعریف کردم. یکی داستانی معاصر در تهران بود، یکی ترکیبی از روستا و شهرستان و سومی همین «آدم‌فروش» با عنوان اولیه‌اش «همچون در یک آینه» بود که از عنوان فیلم برگمان وام گرفته بودم.»

واکنش تهیه‌کننده بر خلاف تمام تجربیات قبلی، سریع و عملیاتی بود. «باور کردنی نبود. گفتند شما فکر می‌کنی فیلم‌نامه‌اش کی آماده می‌شود؟ و تأکید کردند اگر این طرح یک فیلم بلند شود، با تمام توان حاضرند تهیه کنند. سه روز بعدش برای قرار داد رفتیم. پرسیدند فیلم‌نامه کی حاضر می‌شود؟ گفتم یک ماه برای نسخه اولیه. گفتند پس مهر ماه شروع می‌کنیم و همان جا چک پیش‌پرداخت فیلم‌نامه را به من دادند. انگار هنوز بازی بود، چون هیچ‌وقت این‌گونه نبود. این رفتار حرفه‌ای و مسئولانه، شروع ساخت فیلم ما شد.»

از «تایستان همان سال» تا «آدم‌فروش»:

شیفت به سینمای قصه‌گو

عنوان فیلم اما مسیری پرپیچ‌وخم را طی کرد. ابتدا قرار بود نام فیلم، «تایستان همان سال» باشد، عنوانی که کلاری از مجموعه‌داستانی از ناصر تقوایی وام گرفته بود. «عنوانش را خیلی دوست داشتم. در آغاز تریش فیلم هم می‌گوید این خاطره مال همان سال کودتاست. فیلم را ساختیم و تمام شد. در یک نمایش خصوصی که ایرج طهماسب هم بود، نظارش را پرسیدم. گفت: اسم فیلمت را بذار آدم‌فروش. این در ذهنم ماند. بعداً در جلسات مرتبط با فیلم به این نتیجه رسیدیم که عناوین بلند معمولاً جواب خوبی نمی‌دهند و حس فیلم هنری ایجاد می‌کنند. یاد حرف ایرج افتادم و فکر کردم با معناترین و متناسب‌ترین واژه با محتوای فیلم، همین «آدم‌فروش» است. به‌خصوص در این دوره که این‌م مفهوم برای مردم قابل‌فهم‌تر شده.»

این تغییر نام، نمادی از یک تغییر بزرگ‌تر در نگاه کلاری به سینما بود؛ گذار از سینمای تجربه‌گرا و مستندگونه به سینمای قصه‌گو. او این شیفت را یک ضرورت می‌داند: «راستش را بخواهید، تصور این است که دوران آن سینما تمام شد. مخاطبش را از دست داده است. اتمسفر کلی این کره خاکی، نسل جدید و فضای جدید انگار دیگر آن دل‌ودماغ را به آدم نمی‌دهد که بنشین و جزئیات خیلی درونی یک فیلم را با گذاشتن انرژی و زمان کشف کنی. حتی فیلم‌های بزرگی که در این زمینه در دهه گذشته ساخته شد، تقریباً هیچ مخاطبی نداشت. بشر نیاز دارد قصه بشنود. از دوران غارنشینی که دور هم جمع می‌شدند و داستان تعریف می‌کردند، این نیاز وجود داشته. این داستان‌گویی و به جر زبان زندگی دیگران قرار گرفتن، تنها بستری است که همچنان شنونده و طرفدار دارد.»

به همین دلیل، کلاری ساختار فیلمش را نیز بر پایه قصه‌گویی بنا نهاد. «شروع فیلم مثل قصه‌های مادر بزرگ‌هاست: یکی بود یکی نبود، غیر از خدا هیچکس نبود... من تو او خون به دنیا اومدم، تو همون اتاقی که بابام به دنیا اومده بود... همه چیز اروم و عالی بود تا اینکه به روز نزدیک ظهر، عمه مرضی اومد، تق تق تق... عین قصه، فیلم را شروع کردم. چون خود اتفاق هم بر گرفته از حادثه‌ای در کودکی من بود و هر بار که این داستان را برای کسی تعریف می‌کردم، می‌دیدم که چطور با تمام وجود به آن گوش می‌دهند. یادش بخیر، یک‌بار برای کیومرث پوراحمد تعریف کردم، گفت این عالی است، چر نمی‌سازی‌اش؟ به نظر ام‌گر سینماگر بتواند داستانش را با شکل پردازش قصه تعریف کند، قطعاً مخاطب با آن ارتباط برقرار می‌کند.»

هم‌مسیر:

زعلی حاتمی تا صغر فرهادی

وقتی از تأثیر پدری‌اش می‌پرسیم، نام‌ها آشنا نیستند اما انتخابش غافلگیر کننده. «حال و هوا و اتمسفر بصری را از علی حاتمی گرفتم. خیلی آن جنس از پردازش بصری را دوست داشتم. شاید چون من هم مثل او در یک جامعه سنتی بزرگ شدم و مثل او که می‌گفت فیلم می‌سازم انگار قالی می‌بافم، آن اتمسفر را دوست داشتم. اما اگر بخواهم بگویم بیشترین تأثیر، از آقای فرهادی بود. این در حالی است که من با آقای کیارستمی مانوس بودم و چهار کار با هم کردیم، از «باب ما را خواهد برد» تا «شیرین» و حتی در فیلمی که در ایتالیا ساخت همراهش بودم.»

دلیل این انتخاب، ظرافت و دقت بی‌نظیر فرهادی در پرداخت جزئیات است. «اینکه چقدر با ظرافت و دقت روی جزئیات کار می‌کند و مسیر رسیدن به کاراکترها و بافتن آن قصه‌های کوچکی که کنار هم قرار می‌گیرند را پرداخت می‌کند، برای من کم‌سابقه بود. حداقل اگر نگوییم بی‌سابقه، شبیه آن را خیلی کم دیده بودم. این نگاه تأثیر اساسی روی من داشت.»

کلاری در میان صحبت‌هایش، خاطره‌ای شیدنی از پروژه‌ای ساخته‌نشده با کیارستمی را نیز به یاد می‌آورد: «یک فیلمی قرار بود با حامد بهداد بسازیم که نقش یک فرد نابینا را داشت. داشتیم با ژولیت بینوش در اتومبیل به سمت اصفهان می‌رفتیم. آقای کیارستمی داستان را که تعریف کرد، ژولیت گفت یک فیلم فرانسوی هست که داستانش شبیه این است. همان جا فهمیدم که تمام شد. آقای کیارستمی معمولاً این کار را می‌کرد؛ وقتی حس می‌کرد ایده‌اش به شکلی قبلاً ساخته شده، دیگر آن را نمی‌ساخت.»

این جا ببینید



گروه فرهنگ هنر | در گوشه‌ای از هیاهوی یک دکور فیلم‌برداری، زیر گرمای تندی که بر صحنه حاکم است، محمود کلاری نشسته است؛ مردی که تاریخ سینمای معاصر ایران از در پیچه لنز دوربین او ثبت شده و حالا با فیلم تازه ساخته خودش، «آدم فروش»، بار دیگر بر صندلی کارگردانی تکیه زده است. به بهانه اکران این فیلم، پای صحبت‌های فیلم‌سازی می‌نشینیم که کارنامه‌اش گره خورده با نام بزرگانی چون کیارستمی، حاتمی، بیضایی، فرهادی، مهرجویی و... کلاش، همچون قاب‌هایش، صریح، دقیق و سرشار از خاطراتی است که هر کدام فصلی از سینمای این سرزمین را روایت می‌کند؛ روایتی از یک عمر زندگی با سینما.

۳



۲

«آدم‌فروش»: دروغی کوچک، زخمی بزرگ

تایستان امسال، سینمای ایران شاهد فیلمی بود که هنوز رنگش در هوای سرد پاییز حس می‌شود؛ «آدم‌فروش»، ساخته تازه محمود کلاری، اثری است شاعرانه، تأمل‌برانگیز و پر از حسرت. فیلمی که از دل کودکی، معصومیت و دروغ‌های بی‌قصد سخن می‌گوید، دروغ‌هایی که مسیر زندگی را تا ابد تغییر می‌دهند.

قصه در شهری کوچک و میان خانه‌هایی قدیمی می‌گذرد؛ جایی که عطا، پسر بچه‌ای هفت‌ساله، ناخواسته درگیر ماجرای گم‌شدن طلاهای عمه می‌شود. خانواده برای کشف حقیقت، سراغ «رمال آینه‌بین» می‌روند؛ شخصیتی مرموز که در آینه‌هایش رازها جان می‌گیرند. عطا از سر سادگی چیزی می‌گوید که بی‌آنکه بداند، سر نوشت خودش و اطرافیانش را عوض می‌کند. از همین‌جا تابستانی آغاز می‌شود که دیگر هیچ‌وقت فراموش نخواهد شد.

محمود کلاری، فیلم‌بردار برجسته سینمای ایران، در تازه‌ترین تجربه کارگردانی خود، بار دیگر نشان می‌دهد که چطور می‌توان با نور و تصویر روایت ساخت. او از قاب به‌عنوان زبان استفاده می‌کند؛ زبانی که گاه از دیالوگ‌ها تأثیر گذارتر است. هر فریم از فیلم، مثل عکسی از یک خاطره محو است؛ آمیخته با اندوه، راز و زیبایی.

معرفی عوامل و بازیگران

در قلب «آدم‌فروش»، چهره‌ای درخشان است؛ رایان سرلک، بازیگر خردسال فیلم، با حضوری خالص و چشم‌گیر، روح قصه را زنده می‌کند. او در نقش پسر بچه‌ای معصوم که ناخواسته دروغی سر نوشت‌ساز می‌گوید، چنان طبیعی و تأثیرگذار ظاهر شده که نگاه مخاطب را تا آخرین لحظه با خود همراه می‌سازد.

در کنار او، علی شادمان، فریا نادری، سمیرا حسن‌پور، رویا جاویدنیا و مهر نونهالی هر یک با بازی‌هایی دقیق و کنترل‌شده، فضای احساسی فیلم را غنی‌تر کرده‌اند. حضور چهره‌هایی چون صابر ابر، پژمان بازغی، نسیم ادبی و مهران مدیری نیز به ترکیب اثر تنوع و پویایی بخشیده است.

>

آقای کیارستمی معتقد بود آدم‌ها ذاتاً

بازیگرند. هر کسی در شرایط مختلف، به شکلی بازی می‌کند تا مقبولیت بیرونی پیدا کند



او اول از همه به نقطه شروع این انتخاب اشاره می‌کند: «وقتی نویسنده شخصیت را خلق می‌کند، در ذهنش تصویری از او دارد. حالا اگر نویسنده و کارگردان یکی باشند، خیلی دقیق‌تر می‌دانند که چه شکلی، چه تیپ و چه بافتی برای این کاراکتر می‌خواهند. اگر کارگردان بر اساس رمانی یا فیلم‌نامه‌ای آماده کار می‌کند، او هم مثل ما که هنگام خواندن داستان در ذهن مان شخصیت‌ها را تجسم می‌کنیم، آن آدم‌ها را در ذهن می‌سازد و بعد دنبال همان تصویر می‌گردد.»

به گفته او، دو رویکرد اصلی در انتخاب بازیگر وجود دارد: «یک دسته کارگردان‌ها براساس شمایل بیرونی انتخاب می‌کنند؛ قد، قواره، زبانی، قدرت، نگاه، هیکل و... و دسته دیگر براساس توان بازیگری تجربه‌شده بازیگر. معمولاً این گروه دوم همان‌هایی هستند که با بازیگران شناخته‌شده کار می‌کنند. مثل تجربه کیمیایی با بهروز وثوقی یا اسکورسیزی با دنیرو یا دی‌کایریو. می‌دانند این بازیگر از پس چه نقش‌هایی برمی‌آید.»

او به یاد کیارستمی هم می‌افتد که اساساً غیربازیگر می‌کند که بازیگرهایش در همان نقش می‌مانند و به آن بازیگر از پس چه نقش‌هایی برمی‌آید.»

او به یاد کیارستمی هم می‌افتد که اساساً غیربازیگر می‌کند که بازیگرهایش در همان نقش می‌مانند و به آن بازیگر از پس چه نقش‌هایی برمی‌آید.»

او به یاد کیارستمی هم می‌افتد که اساساً غیربازیگر می‌کند که بازیگرهایش در همان نقش می‌مانند و به آن بازیگر از پس چه نقش‌هایی برمی‌آید.»

نیما در اول فیلم می‌گوید: «چه بسیار از عقوبت‌های افزون / که گشتش لغزش خردی بهانه.» من در هفتادوچند سالگی می‌فهمم که اشتباهات بسیار ناچیز در زندگی‌ام، تأثیرات ویران‌کننده‌ای داشته‌اند. دلم می‌خواست با این فیلم بگویم با بچه‌هایمان کاری نکنیم که سالیان سال، آسیب مصائبی که ما به آنها تحمیل کرده‌ایم را بر دوش بکشند. اگر در کل زمان اکران فیلم تنها پنجاه نفر از سالن بیرون بروند و این حس را با خودشان ببرند که باید مراقب بچه‌ها بود و آنها را دست نگرفت، من به هدفم رسیده‌ام.»

راز لنزها:

چرا دوربین بعضی‌ها را دوست دارد؟

از او به عنوان یک فیلم‌بردار کهنه‌کار، درباره آن عبارت معروف می‌پرسیم: آیا واقعاً دوربین چهره برخی را بیشتر دوست دارد؟ پاسخ او، یک کلاس درس فشرده زیبایی‌شناسی بصری است. «این یک امر فیزیکی است. واقعیتی که ما در پیرامون خود می‌بینیم سه‌بعدی است، اما تصویر دوربین دوبعدی است. در این تبدیل، یک بعد از دست می‌رود. ساختار عدسی و کرپستال‌هایش، جهان را متفاوت از چشم انسان می‌بیند. برای پاره‌ای از آدم‌ها، با از دست رفتن آن یک بعد، نقصان‌های کوچکی که در فیزیک چهره‌شان وجود دارد، کمرنگ یا محو می‌شود. برای پاره‌ای دیگر، این اتفاق نمی‌افتد. برای همین است که می‌گویند فلائی در عکس‌هایش زیباتر است یا برعکس، خودش خیلی تشنگ‌تر از عکس‌ها و فیلم‌هایش است. این همان چیزی است که به زبان عامیانه تبدیل شده به اینکه: دوربین یکی را دوست دارد.»

راز انتخاب بازیگر:

از هوش تا حضور در نقش

کلاری در ادامه گفت‌وگو، با همان حوصله و جزئیات خاصش به سراغ موضوع انتخاب بازیگر می‌رود؛ موضوعی که سال‌هاست در ذهن بسیاری از ما پرسش‌برانگیز بوده،



حمیدرضا خالدی
هفت صبح

«خدا به خیر کند... تا چند متری هم دیده نمی‌شود. جاده که اصلاً مشخص نیست. مردم اینجا چطور رانندگی می‌کنند؟ اصلاً چطور زندگی می‌کنند؟» اینها را مسافری می‌گوید که برای کاری به زابل رفته و حالا باراننده شرکت، در حال برگشت به زاهدان و محل اقامتش است. آنهم در عصرگاهی که توفان طول دید را به شدت کاهش داده است. توفانی که شاید آخرین بقایای پادهای ۱۴۰ روزه باشد. گرچه مردم این خطه با توفان‌های شسن و گرد و غبار عادت کرده‌اند و چاره‌ای ندارند جز همزیستی با آنها. شرایطی که هر از چندگاهی آسمان استان سیستان و بلوچستان را تاریک کرده و مدارس می‌کشاند. درست‌مانند روزهای اخیر که باعث تعطیلی مدارس در پنج شهر شمالی بخش سیستان و دیرتر شروع شدن ساعت کاری ادارات این مناطق شد.

آب و هوای خشک سیستان و بلوچستان از یکسو و خشک شدن دریاچه هامون باعث شده تا هر ساله – و به‌ویژه در سال‌های اخیر – شهروندان ساکن در این استان شاهد بروز توفان‌های گرد و غبار طولانی مدت باشند، توفان‌هایی که اکثراً به قدری شدت می‌گیرد که نه تنها زندگی مردم را مختل می‌کند که بر سلامت و حتی زیرساخت‌ها و اقتصاد منطقه نیز آسیب‌های جدی وارد می‌کند.

شدت گرفتن توفان‌های گرد و غبار در مناطق شمالی استان یعنی در منطقه سیستان شامل پنج شهرستان زابل، هیرمند، نیمروز، زهک و هامون به بیش از ۱۲۰ روز در سال رسیده و به همین دلیل از آن به عنوان پادهای ۱۲۰ روزه یاد می‌کنند.

کارشناس معتقدند که بیشترین دلیل بروز این توفان‌ها، به خاطر شدت گرفتن خشکسالی ناشی از قطع شدن «حق آبه» ایران در رودخانه هامون است. به زبان ساده سال‌هاست که افغانستان رودهای نشأت گرفته از سرمنشأ هامون در کشور خود را به بهانه کاهش بارندگی بسته است و اجازه نمی‌دهد تا آب این رودخانه وارد ایران و دشت سیستان شود. همین مسئله عاملی شده برای اینکه تالاب بین‌المللی هامون، تبدیل به اصلی‌ترین مرکز و کانون تولید این توفان‌ها شود و با وزش پادهای فصلی، انبوهی از ذرات خاک و غبار به هوا بلند شود و در مسیر خود به توفان‌هایی خطرناک

بدل شود و به سایر نقاط استان و حتی استان‌های همجوار نیز سرایت کند.

حق آبه‌ای که پرداخت نمی‌شود

به گفته کارشناسان دولت افغانستان بر اساس قراردادی که در زمان نخست وزیری هوبدا با این کشور امضا شد، باید اجازه دهد تا در همه ایام سال، در هر ثانیه ۲۶ مترمکعب آب به هیرمند بیاید که جمعاً این مقدار در سال حدود ۸۲۰ میلیون مترمکعب می‌شود. حجم آبی که در واقع همان حق آبه معروف تالاب بین‌المللی هامون است که افغانستان سال‌هاست از عمل به آن سر باز می‌زند.

بر اساس گزارش‌های منتشر شده، سیستان سالانه به حدود ۴۰۰ میلیون مترمکعب آب در بخش بخش‌های آشامیدنی و صنعت نیاز دارد. به بیانی اگر افغانستان همین ۸۰۰ تا ۸۵۰ میلیون مترمکعب آب را راهسازی کند، می‌تواند از خشکسالی این استان و بروز توفان‌های گرد و خاک جلوگیری کند. با این حال تا همین چند سال قبل، از آنجایی که نمی‌توانست منابع آبی خود را به خوبی کنترل کند، سیلاب‌های ناشی از بارندگی وارد سیستان می‌شد که بخشی از آب تالاب هامون را تأمین می‌کرد. اما از چند سال قبل این کشور کاملاً جلوی ورود آب‌های سطحی و سیلاب‌ها به ایران را گرفته و همین امر باعث بروز چالش زیست محیطی بزرگی برای این استان غربی کشور شده است.

در صدر لیست جهانی

چند سال قبل محمود خسروی، رئیس وقت دانشکده جغرافیای دانشگاه سیستان و بلوچستان، گفته بود گرچه پدیده گرد و غبار مشکلی جهانی است اما

خشکسالی، قطع حق آبه هامون و وزش بادهای بیش از ۱۲۰ روز، سیستان و بلوچستان را به کانون توفان‌های گرد و غبار و بحران زیست محیطی بدل کرده است

دشواری‌های نفس کشیدن در سیستان

سیستان و بلوچستان با بیش از ۲۲۰ روز گرد و غبار بر اساس شواهد علمی یکی از بحرانی‌ترین نقاط جهان محسوب می‌شود.

این استان اقلیم‌شناسی گفته بود؛ وقتی میزان غلظت ذرات زیر دو و نیم میکرون به بیش از ۳۰ برابر حد مجاز برسد شرایط برای زندگی بسیار خطرناک خواهد شد. به گفته خسروی، مهمترین موضوع برای مدیریت بحران و کاهش اثرات گرد و غبار، تأمین حق آبه تالاب بین‌المللی هامون است که می‌تواند از بروز گرد و غبار تا حد زیادی جلوگیری کند.

از سیستان تا زاهدان

در طول سال‌های اخیر با وجود تلاش‌های صورت گرفته توسط دولت‌های مختلف، افغانستان همچنان از آزاد کردن حق آبه هامون سر باز می‌زند و حتی یکسال قبل، این موضوع می‌رفت تا به بحرانی بین دو کشور بدل شود. سیاستی که باعث شده تا هر سال بر آمار تعداد روزهایی که مردم این استان و بخصوص شهروندان سیستانی به خاطر توفان‌های شن و گرد و غبار زمین گیر شوند، افزوده شود. توفان‌هایی که حالا باعث شده تا روزهای زیادی مدارس یا ادارات یا هر دو تعطیل شوند و عملاً استان به حالت نیمه تعطیل در آید. نمونه عینی آن نیز تعطیلی مدارس در پنج شهر توفان خیز سیستان در روز یکشنبه و دو ساعت زودتر باز شدن ادارات بود.

مجید محبی، مدیرکل مدیریت بحران استانداری سیستان و بلوچستان نیز در مورد وضعیت توفان‌های گرد و غبار در این استان به «هفت صبح» می‌گوید: پادهای تابستانی که به خاطر شرایط اقلیمی تقریباً هر ساله از خرداد تا اواخر تابستان در منطقه و بخصوص بخش سیستان می‌وزند باعث می‌شوند تا گرد و غبار خاک‌های دشت

افزایش چشمگیر روزهای توفانی

اما آیا آمار توفان‌ها در سال جاری بیشتر از سال‌های گذشته بوده است؟ مسوالی که محبی در پاسخ به آن می‌گوید: بله. امسال خشکسالی شدت بسیار بیشتری داشته و بارش‌ها نیز به نحو قابل تاملی کمتر بوده است که همین امر باعث شده تا روزهای زیادی ادارات و مدارس مناطق درگیر با توفان تعطیل شوند و در عین حال همانطور که می‌بینید، این پدیده حتی تا الان که در مهرماه هستیم نیز ادامه داشته باشد. در حالیکه قبلاً حداکثر تا اواخر تابستان این توفان‌ها خاتمه پیدا می‌کرد. ولی از آنجاییکه در تابستان مدارس تعطیل بودند، اخبار مرتبط با این توفان‌ها و تبعات آن چندان که باید و شاید، انتشار پیدا نکرده است.

اجرای طرح‌های بی‌فایده

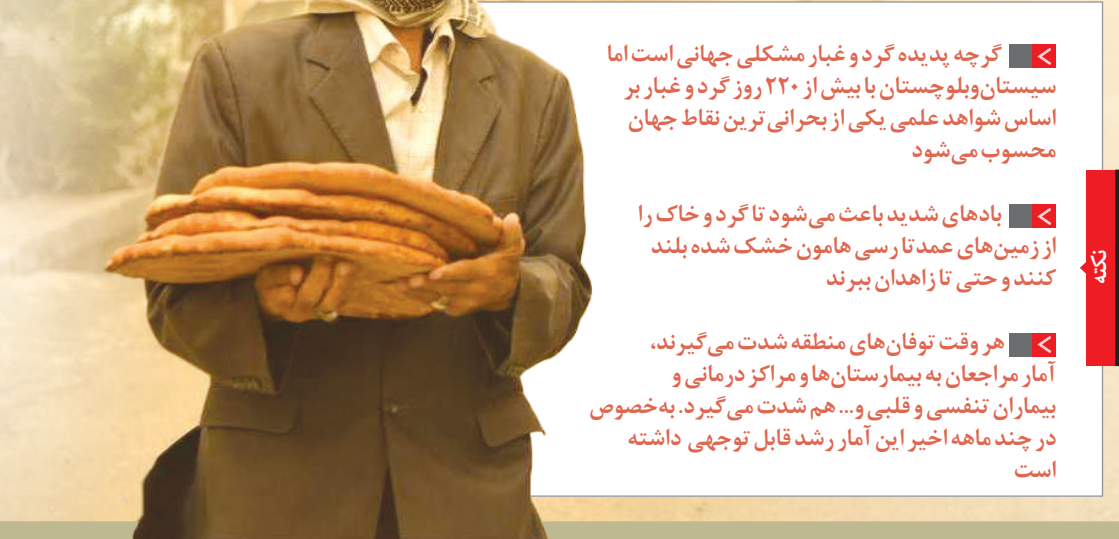
دولت‌ها، طی چند سال گذشته بارها از طرح‌هایی گفته‌اند که به اعتقاد خودشان می‌توانست توفان‌ها و تبعات آن را کاهش دهد. با این حال محبی در این مورد می‌گوید: ریشه بروز توفان‌های سیستان و



بلوچستان از دو منشأ داخلی و خارجی است. در گذشته چند طرح پایلوت برای کنترل گردوغبار و توفان‌های ناشی از آن پیشنهاد شده بود. اما بنابر دلایل علمی تا وقتی که حق آبه ما باز نشود و یا تا زمانیکه بارندگی‌های خوبی نداشته باشیم، عملاً اجرای این طرح‌ها نیز بی‌نتیجه خواهد بود.

افزایش آمار بیماران

از جمله تبعات مهم توفان‌های گرد و غبار تهدید سلامت شهروندان است. موضوعی که مدیرکل مدیریت بحران استانداری سیستان و بلوچستان نیز آن را تأیید کرده و می‌گوید: هر وقت توفان‌های منطقه شدت می‌گیرند، آمار مراجعان به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی و بیماران تنفسی و قلبی و... هم شدت می‌گیرد. بخصوص در چند ماهه اخیر این آمار رشد قابل توجهی را داشته است که می‌تواند زنگ خطری برای سلامت مردم این مناطق باشد. با این تفصیلات به نظر می‌رسد شاید بهترین راهکار برای کاهش توفان‌های گرد و خاک در سیستان و بلوچستان دعا کردن برای بارش باران باشد! چرا که نه افغانستان حاضر است حق آبه هامون را بپردازد و نه دولت‌ها برنامه خاصی برای مهار آن دارند.



گرچه پدیده گرد و غبار مشکلی جهانی است اما سیستان و بلوچستان با بیش از ۲۲۰ روز گرد و غبار بر اساس شواهد علمی یکی از بحرانی‌ترین نقاط جهان محسوب می‌شود

پادهای شدید باعث می‌شود تا گرد و خاک را از زمین‌های عمدتاً رسی هامون خشک شده بلند کنند و حتی تا زاهدان ببرند

هر وقت توفان‌های منطقه شدت می‌گیرند، آمار مراجعان به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی و بیماران تنفسی و قلبی و... هم شدت می‌گیرد. به خصوص در چند ماهه اخیر این آمار رشد قابل توجهی داشته است

اختلاف سه برابری در آمار پاکبان‌های تهران؛ واقعیت در خیابان‌ها پیداست

زباله‌ها واقعی، آمارها خیالی

شهرداری تهران در حالی مدعی است که مشکل جمع‌آوری زباله با جذب پاکبان‌های جدید حل شده که در این زمینه آمارهای متناقضی را از استخدام آنها اعلام می‌کند. بعد از جنگ ۱۲ روزه و خروج اتباع از ایران که بخش اعظمی از نیروهای پاکبان شهرداری را تشکیل می‌دادند، باعث شد تا چرخه جمع‌آوری زباله در کلانشهر تهران با چالشی جدی مواجه شود. برای همین شهرداری تصمیم به استخدام نیروی کار ایرانی در این بخش گرفت که گرچه در ابتدا با اقبال خوبی از سوی جوانان و شهروندان جویای کار روبه‌رو نشد؛ اما افزایش سقف حقوق و امکانات رفاهی باعث شد تا کم‌کم گروهی از کارگران جذب شبکه جمع‌آوری زباله شوند.

با این حال آمارهای ارائه شده از سوی مسئولان کاملاً با هم در تناقض است! محسن قضااتلو، مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران، همین چند روز پیش در این خصوص گفته بود: رفت‌وروب در بزرگراه‌ها را از مناطق جدا کرده و به دو پهنه شرقی و غربی تقسیم کردیم. در این دو پهنه تاکنون ۷۰۰ کارگر ایرانی جذب و هم‌زمان ۳۰۰ نفر دیگر نیز در سطح مناطق به کار گرفته شدند. در مجموع هزار نیروی جدید به مجموعه مدیریت پسماند اضافه شده‌اند. به گفته قضااتلو، یکی از محورهای مهم این برنامه، توجه ویژه به وضعیت معیشتی نیروهای شاغل است.

از حقوق ۱۸ میلیونی تا ۲۵ میلیونی

بنابر اعلام شهرداری، پاکبان‌های بزرگراه‌ها به دلیل سختی کار، نظافت جداره به جداره و همچنین کمتر دیده شدن از سوی مردم نسبت به نیروهای شاغل در سطح مناطق، مشمول افزایش دستمزد شدند. این نیروها در حال حاضر دریافتی ۲۵ میلیون تومانی دارند. در عین حال سایر کارگران هم که اکنون حدود ۱۸ میلیون تومان دریافت می‌کنند، هم‌زودی مشمول افزایش حقوق می‌شوند و دریافتی آنها به حدود ۲۲ میلیون تومان می‌رسد. قضااتلو درباره وضعیت اتباعی که به‌عنوان پاکبان فعالیت می‌کردند و از کشور خارج شده‌اند نیز گفته که آمار دقیقی از این افراد در دست نیست، چون سرشماری رسمی انجام نشده بود. به گفته وی در حال حاضر از نیروهای زندانی با شرایط «رای باز» و همچنین افرادی که دوره بازپرسی خود را در مراکز یاور شهر گذرانده‌اند نیز استفاده می‌کنیم.

تناقض آماری سه برابری

اما در حال حاضر چه تعداد نیروی دیگر برای تکمیل زنجیره پاکبان‌های تهران نیاز است؟ قضااتلو در این خصوص به خبرنگار «هفت‌صبح» می‌گوید: «تا جایی که می‌دانم شاید چیزی حدود هزار تا ۱۵۰۰ نیروی جدید نیاز داشته باشیم که در تلاش هستیم تا آنها را جذب کنیم.» با این وجود، داود گودرزی، معاون خدمات شهری شهرداری تهران آمار دیگری را در مورد استخدام نیروهای پاکبان اعلام می‌کند. وی در گفت‌وگو با هفت‌صبح می‌گوید: «حدود ۲۴۰۰ نفر در سامانه اعلام شده برای پاکبانی ثبت‌نام کرده‌اند. با این حال معتقدم حدود ۳ هزار نیروی دیگر نیاز داریم تا شبکه پاکبان‌های مان کامل شود.» این آمار جدید نشان می‌دهد که وضعیت کمبود پاکبان‌ها، چندان هم حل نشده و هنوز تا رسیدن به همان نقطه سه ماه پیش، نیاز به جذب نیروهایی به‌مراتب بیشتر از آن چیزی است که عنوان می‌شود. موضوعی که در واقع دلیل نابسامانی‌های موجود در جمع‌آوری زباله‌ها و کثیفی معابر پایتخت مهر تأییدی بر آن است. ضمن آنکه این آمارهای متناقض حکایت از آن دارد برخلاف ادعای شهرداری، چندین هزار نیروی اتباع غیرمجاز، به‌صورت غیرقانونی در شبکه جمع‌آوری زباله در شهرداری فعالیت می‌کرده‌اند که همواره حضورشان از سوی مسئولان کتمان می‌شده است!



وزارت بهداشت: بررسی می‌کنیم!

در مورد اخیر اما به نظر می‌رسد موضوع جدی‌تر از آن باشد که بخواید به‌سادگی تکذیب شود کما اینکه دکتر محمد هاشمی، سخنگو و مشاور رئیس سازمان غذا و دارو نیز بدون تکذیب آن، فقط اعلام کرده که؛ در حال بررسی موضوع از مسیرهای رسمی هستیم! وی گفته در همین رابطه هماهنگی لازم با مراجع ذی‌ربط برای بررسی مدارک و مستندات محموله‌های صادراتی و نتایج آزمایش‌های صورت گرفته در حال انجام است که نتایج این بررسی‌ها پس از تکمیل، به اطلاع عموم خواهد رسید. با چنین رویه‌ای، به نظر می‌رسد نتیجه هر چه باشد، می‌تواند حاوی یک پیام مهم برای سیستم سلامت و البته شهروندان ایرانی باشد. اینکه احتمال آلوده بودن آب‌های معدنی در ایران، در ظاهر چندان هم دور از ذهن نیست و ممکن است هر ماه یا سالی، دوباره شاهد تکرار چنین رخدادهایی باشیم. موضوعی که بیش از همه لبه تیز اتهام علیه آن، به‌سوی مسئولان و ناظران دستگاه سلامت کشور است.

حادثه در عمان

حالا اما انتشار خبری در مورد آلوده بودن آب یکی از همین برندهای آب معدنی باعث شده تا نه تنها بازار آنها به‌شدت به خطر بیفتد که شایه‌هایی جدی هم در مورد سلامت و کیفیت آنها مطرح شود. چند روز قبل بود که رسانه‌های عمان به نقل از مسئولان این کشور گزارش داده‌اند که در پی مرگ دو نفر در نتیجه «مصرف یک محموله آلوده آب معدنی یک شرکت ایرانی»، واردات آب‌معدنی از ایران ممنوع شده است. سفارت ایران در مسقط مرکز این دو نفر را «مهم» توصیف کرد و از تحقیق در این باره خبر داد.

به گفته مقامات بهداشت عمان، آب‌معدنی تولیدشده در ایران با برند «اورانوس استار» که از مجاری رسمی وارد عمان شده بود، آلوده است چرا که باعث شده تا یک زن خارجی و یک مرد عمانی پس از نوشیدن آب‌معدنی وارداتی از ایران، جان خود را از دست بدهند. برای همین دولت عمان به‌فوریست ورود هر نوع آب‌معدنی را از ایران ممنوع اعلام و این محصول را از بازار عمان جمع‌آوری کرده است.

بروندهای به قطر یک دهه

این شوک باعث شده تا نه تنها بازار آب‌معدنی به‌شدت ملتهب شود که سؤالاتی جدی هم در مورد سلامت آب‌معدنی‌های تولیدشده در ایران به وجود آید. این موضوع اما وقتی جدی‌تر می‌شود که بدانید برونده آلوده بودن آب‌های معدنی تاکنون طی سال‌های اخیر چند باری حاشیه‌ساز شده است. شهر یور سال ۱۳۹۴ بود که سازمان غذا و دارو پس از اعلام بالا بودن نیترات در برخی نمونه‌های آب‌معدنی، تولید ۱۲ شرکت آب‌معدنی را به دلیل آلودگی آب، متوقف کرد. همچنین در همان سال این سازمان از وجود میکروب ایکولای در آب – که نشان‌دهنده آلوده

بودن آب به فاضلاب انسانی است – خبر داد و این واحد معروف تولیدی را پلمپ کرد. گرچه بعد از مدتی این مجموعه دوباره تولید آب‌های معدنی خود را آغاز کرد و هم اینک نیز محصولات آن سهم قابل توجهی از بازار را به خود اختصاص داده است.

معاون غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی ایران مرگ چهار نفر در اثر نوشیدن آب‌معدنی غیربهداشتی در تهران را تکذیب کرد. دو سال بعد یعنی در سال ۱۳۹۶ نیز در فضای مجازی خبری مبنی بر اطلاعیه بیمارستان الزهراء تهران منتشر شد که در آن ادعا شده بود؛ نوشابه و آب‌معدنی جدیدی به نام (لاند) و آکو (لند) وارد بازار شده است که ظرف مدت ۷۲ ساعت تا یک هفته بعد از مصرف، به مرگ فرد می‌انجامد و تاکنون مصرف این نوشیدنی‌ها جان ۲ کودک و ۲ بزرگسال را گرفته است.

با این حال، این خبر به‌سرعت از سوی مهران ولایی، معاون وقت غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی ایران رد شد و آن را شایعه خواند و گفت: تاکنون هیچ موردی در این خصوص گزارش نشده. از سوی دیگر از ابتدای سال تاکنون تنها چند گزارش تخلف به دانشگاه رسیده که همگی بلافاصله توسط بازرسین غذا و دارو بررسی و متخلفین به مراجع قضایی معرفی شده و برخورد‌های لازم انجام شده است.

آب‌های معدنی آلوده در اروپا

اما آلوده بودن آب‌های معدنی تنها مختص ایران نیست. سال گذشته نیز برخی رسانه‌ها اعلام کردند که برای نخستین بار، آب‌معدنی چند کشور اروپایی به ماده شیمیایی TFA آلوده تشخیص داده‌شده است. TFA، یکی از زیر شاخه‌های موادی است که به مواد شیمیایی همیشگی شهرت دارند که با وجود سمی بودن و اثرات مخرب بر تولیدمثل، در سطح جهانی به

گفت و گو

دربی اصفهان یک شطرنج دوفره بود

آدان به درد تیم پیشکسوتان استقلال می خورد!

است. موافقت؟

ببینید، من در حال حاضر سرپرست تیم ذوب آهن اصفهان هستم و صحیح نیست درباره استقلال صحبت کنم! (با اصرار ما راضی می شود و می گوید) به هر حال من شاگرد مرحوم ناصر حجازی هستم و خاطرات بسیار خوبی از فصل ۱۳۷۷-۱۳۷۶ همراه استقلال در ذهن دارم. با این تیم قهرمان شدیم و همیشه به بازی با پیراهن استقلال افتخار می کنم. هر چند گلر یا بازیکنان خارجی نیاز به زمان برای تطبیق با فوتبال ایران دارند اما متأسفانه به نظر می رسد آنتونیو آدان گلر ۳۸ساله استقلال بیشتر به درد تیم پیشکسوتان استقلال می خورد. الان همه تیم های لیگ برتری متوجه شده اند از هر جایی به سمت دروازه این گلر اسپانیایی شوت بزنند گل می شود! به نظر من اگر استقلال دروازه بان جوان و آینده داری از فوتبال ایران انتخاب می کرد حداقل برای آینده این فوتبال یک گلر تاپ می ساخت اما چه بگویم؟ تیمی که مرحوم ناصر حجازی، منصور رشیدی یا سیدمهدی رحمتی را درون دروازه خود داشته باید روی انتخاب گلر خیلی دقت بیشتری می کرد. لطفا حتما بنویسید من در حال حاضر در ذوب آهن مسئولیت دارم؛ بخش آخر صحبت هایم فارغ از این سمت و به عنوان یک بازیکن سابق استقلال بوده است.



حمیدرضا بابایی دروازه بان سابق تیم ملی و استقلال می گوید تیمی که مرحوم ناصر حجازی، منصور رشیدی و سیدمهدی رحمتی را داشته، باید گلر خارجی باکیفیتی خریداری می کرد. او که این روزها به عنوان مدیر و سرپرست تیم ذوب آهن اصفهان مشغول به کار است، به بهانه دربی اخیر اصفهان با حمیدرضا بابایی تماس گرفتیم که بحث به جای جالبی کشیده شد؛ بخوانید...

❖ **ابتدا می خواهم نظر شما را درباره تساوی سپاهان و ذوب آهن اصفهان ببرسیم. بازی کیفیت لازم را داشت؟**
دربی همواره شرایط خاص خودش را دارد. معمولاً دربی ها به دلیل حساسیت بالا، زیبا و تماشاگر پسند نمی شود اما به اعتقاد من این دربی اخیر اصفهان یک شطرنج دوفره بود.

❖ **بین محرم نویدکیا و قاسم حدادی فرق؟**

بله! محرم نویدکیا و قاسم حدادی فر دو اسطوره فوتبال اصفهان هستند که یک بازی کاملاً تاکتیکی را به نمایش گذاشتند. ذوب آهن دقیقاً هدفمند بازی کرد و اگر جتنا زایموویچ روی پاس عرضی امید لطفی در واپسین دقایق بازی دقت بیشتری می کرد و به سمت توپ گام برمی داشت حتی ما گل برتری را می زدیم و ذوب آهن با سه امتیاز از زمین خارج می شد.

❖ **اما سپاهانی ها معتقد بودند که ذوب آهن دفاعی بازی کرد؟**
خوب دفاع کردن هم هنر می خواهد. ما با تمام احترامی که برای سپاهان قائلمیم موقعیت چندانی به حریف ندادیم و فکر می کنم این تیم هم تنها یک شوت داخل چار چوب زد. در مجموع بازی سختی بود که با مساوی بدون گل به اتمام رسید.

❖ **داوران این دیدار دو صحنه حساس داشتند. یک پنالتی VAR رد کرد و بار دیگر هم گل کاوه رضایی بود که باز هم از سوی کمک داوران ویدئویی مردود اعلام شد. از داوری این دیدار رضایت دارید؟**

بحث رضایت نیست بلکه داوری به خوبی به وظایف خود عمل کرد و عدالت اجرا شد. صحنه آهسته هم نشان می داد روی پنالتی اعلام شده، توپ ابتدا از خط اوت رد شده و بیرون رفته است. کاوه رضایی هم با دیدن تصاویر بازی مشخص بود در موقعیت آفساید به ما گل زده و داوران تصمیم درستی گرفته اند. با این وجود در دیدار با آلومینیوم اراک یا هفته قبل از آن فجرسپاسی شیراز روی اشتباهات سهوی داوری بازی را باختیم. کارشناسان برنامه فوتبال برتر تأیید کردند که اصلاً پنالتی آلومینیوم پتالتی نبوده. هر سه کارشناس این حرف را زدند اما دیگر امتیازات آن بازی برنمی گردد. به هر حال ما از داوران توقع خاصی نداشته و حتی نمی خواهیم یک اوت دستی به سود تیم ذوب آهن بگیرند بلکه خواهیم اجرای عدالت هستیم که در دربی اصفهان به خوبی اجرا شد.

❖ **نمی شود با شما صحبت کرد و درباره استقلال سوالی نپرسید. شما در این تیم سابقه بازی و دروازه بان‌ی دارید. خیلی ها معتقدند یکی از مشکلات اصلی این تیم درون دروازه**

مرتضی کرمانی مقدم، ستاره دهه شصت پرسپولیس:

پروین می گفت تیم های حریف را پرو نکنید!

لقب «کرمانی بیتو» را هرگز فراموش نمی کنم



به جرات می گویم فرشاد می تواند همین پرسپولیس را قهرمان لیگ برتر کند و در این موضوع شکی ندارم اما فرصت سرمربیگری در پرسپولیس را به پیوس نمی دهند. فرشاد پیوس یک چهره محبوب است و این محبوبیت مانع سرمربیگری او شده. شما می بینید در پرسپولیس خیلی ها سرمربی می رقتم. من هافبک بودم اما کنار فرشاد پیوس به عنوان مهاجم مکمل هم بازی کردم و اتفاقاً زوج خوبی هم ساخته بودیم. الان هم تیوی بیفوما، اوستون اورونوف، امید عالیشاه، رضا شکاری و امین کاظمیان همگی می توانند مهاجم سایه علیپور باشند. سرمربی تیم باید شجاعت تر باشد و عمده مشکل تیم در حال حاضر همین است. وحید هاشمیان پسر با اخلاق و خوبی است اما با این سبک بازی خودش و پرسپولیس به جایی نخواهند رسید.

کرمانی مقدم در خصوص اینکه فرشاد پیوس پیشنهاد داده پرسپولیس به او هم فرصت سرمربیگری بدهد نیز می گوید: من

شاید به نظر برسد پرسپولیس مهاجم دیگری غیر از علیپور ندارد و به همین خاطر با یک مهاجم بازی می کند اما اینطور نیست. خود من زمانی که در پرسپولیس بازی می کردم در خط هافبک و حمله به زمین می رقتم. من هافبک بودم اما کنار فرشاد پیوس به عنوان مهاجم مکمل هم بازی کردم و اتفاقاً زوج خوبی هم ساخته بودیم. الان هم تیوی بیفوما، اوستون اورونوف، امید عالیشاه، رضا شکاری و امین کاظمیان می توانند مهاجم سایه علیپور باشند. سرمربی تیم باید شجاعت تر باشد و عمده مشکل تیم در حال حاضر همین است. وحید هاشمیان پسر با اخلاق و خوبی است اما با این سبک بازی خودش و پرسپولیس به جایی نخواهند رسید.

کرمانی مقدم در خصوص اینکه فرشاد پیوس پیشنهاد داده پرسپولیس به او هم فرصت سرمربیگری بدهد نیز می گوید: من

بازی نکردن در استادیوم آزادی است که خاطر نشان می کند: بله، بازی در استادیوم آزادی چیز دیگری است اما زمان ما این زمین چمن نبود، به نوعی خاکی بود. پرسپولیس در زمین های ناهموار حریف هم برنده می شد و این همه پول و ادعا هم نبود. استادیوم آزادی بهانه ای شده برای نتیجه نگرفتن اما به نظر من مشکل پرسپولیس بزرگ تر از این حرف هاست.

او ادامه می دهد: وحید هاشمیان باید شجاع تر باشد و تیمش را با دو مهاجم به زمین بفرستد. پرسپولیس در خانه و بیرون خانه با تک مهاجم بازی می کند. گرچه علی علیپور هر ۴ گل پرسپولیس را زده و عملکرد خوبی داشته ولی اگر او یک مکمل در خط حمله داشت هم خودش بیشتر گل می زد و هم پرسپولیس.

پیشکسوت پرسپولیس ضمن اشاره مجدد به سیستم دفاعی پرسپولیس می گوید:

ستاره اسبق تیم پرسپولیس معتقد است نیمکت این تیم را به پیشکسوتان محبوب این تیم تعارف نمی زنند.

در ۶ هفته گذشته لیگ برتر، تیم پرسپولیس با هدایت وحید هاشمیان آمار یک پیروزی و ۵ تساوی را به ثبت رسانده است.

به عبارت بهتر تیم وحید هاشمیان یک پیروزی برابر سپاهان در هفته دوم به دست آورده اما در بازی های دیگر نتوانسته به پیروزی برسد.

مرتضی کرمانی مقدم در این رابطه به هفت صبح ورزشی می گوید: من خیلی دوست دارم باز هم از وحید هاشمیان دفاع کنم اما بی تعارف باید بگویم پرسپولیس با این مربی به جایی نخواهد رسید. پرسپولیس از نسل قبل از ما بگیرد تا دهه ۶۰ و بعدتر همواره به تیمی هجومی معروف بوده است. او ادامه می دهد: شما در این فصل می بینید حتی در مصاف با تیم های ضعیف تر هم تیم پرسپولیس نمی تواند به گل های زیاد و حتی پیروزی برسد. این موضوع فقط به شانس بر نمی گردد بلکه تمرینات و تاکتیک های تیم بسیار دخیل است. وحید هاشمیان اول دنبال گل نخوردن و بعد گل زدن است. شاید به نظر برسد این پرسپولیس هجومی کار می کند اما واقعیت اینطور نیست. پرسپولیس امروز با تمام احترامی که برای وحید هاشمیان و کادر فنی این تیم قائلم، باید بگویم بیشتر ادای فوتبال تهاجمی را در می آورد و در عمل اینطور نیست.

ستاره پرسپولیس در دهه ۶۰ می گوید: زمان ما در ۲۰ دقیقه اول آنقدر به تیم های حریف حمله می کردیم که رنده می شدند. علی پروین همیشه می گفت همان ۲۰ دقیقه اول گل بزنید تا تیم های حریف جلوی پرسپولیس پررو نشوند! الان بر عکس، تیم های حریف ۲۰ دقیقه اول به سمت دروازه پرسپولیس حمله ور می شوند.

از مرتضی کرمانی مقدم می پرسیم که این نزول پرسپولیس چقدر مربوط به

حوادث

دختر ۱۵ ساله پس از فرار از خانه مورد سوءاستفاده گروهی قرار گرفت

پدر رضایت داد، بهزیستی شکایت کرد



فاطمه شیخ علیزاده
دبیر حوادث

اسفند ماه سال ۱۴۰۳ دختر ۱۵ساله ای به نام پریا در تماس با اورژانس اجتماعی اعلام کرد که مورد خشونت خانگی از سوی پدرش قرار گرفته و به شدت کتک خورده است.

به این ترتیب امدادگران خیلی سریع خودشان را به منزل پریا رسانده و مشاهده کردند که دختر نوجوان مورد ضرب و شتم و خشونت خانگی قرار گرفته و این در حالی بود که پریا ادعا می کرد این اولین بار نیست که پدرش به بهانه های واهی او را به باد کتک می گیرد.

پریا در برخورد با امدادگران گفت: «حدود دو سالی می شود که پدر و مادرم از همدیگر جدا شدند و از همان موقع قرار شد که من و برادر ۹ ساله ام با پدرمان زندگی کنیم. اما پدرم هم به تنهایی از پس مراقبت از ما برنمی آمد و برای کارهای روزمره زندگی مان از مادر بزرگمان یعنی مادر خودش کمک می گرفت. مادر بزرگم زنی مسن و بی حوصله است و هر شب با غرولند و گلایه از ما به پدرمان شکایت می کرد. پدرم هم می گفت عرصه زندگی بر جانم تنگ شده است و هر بار که احساس می کند ناقرمانی یا خطایی از من سر زده به شدت کتکم می زند. من از این وضعیت خسته شده ام و دیگر دلم نمی خواهد در این خانه به این وضع زندگی ادامه دهم.»

❖ **دختر بدسرپرست**

امدادگران اورژانس اجتماعی گفته های پریا را مورد صحت سنجی قرار دادند و بالاخره به این نتیجه رسیدند که پریا بدسرپرست است. با اثبات این موضوع که پدر پریا توانایی نگهداری از او را ندارد، این دختر ۱۵ساله تحت سرپرستی بهزیستی درآمد و برای ادامه زندگی به یکی از مراکز بهزیستی منتقل شد.

پریا مدتی در آن مرکز زندگی می کرد تا اینکه از آنجا هم فرار کرد و زمانی که از بهزیستی بیرون رفت در حال پرسه زنی در خیابان

بود. او بی هدف مقابل یک مسجد ایستاده بود و به رفت و آمد مردم زل زده بود که در همان حال یک جوان سوءاستفاده گر پریا را تحت نظر قرار داد و به او نزدیک شد. این مرد جوان به نام شاهرخ با پریا طرح دوستی ریخت و به او گفت می تواند در خانه اش به پریا جا و مکان دهد. پریا هم که دید او از در دوستی و رفاقت وارد شده به او اطمینان کرد و همراهش به خانه رفت. شاهرخ با پریا رابطه جنسی برقرار کرد و یکی دو روز بعد از او خواست که چند ساعتی نزد یکی از دوستانش بماند تا او برای کاری برود و برگردد. غافل از اینکه شاهرخ با همدستی دوستش نقشه سیاه تجاوز به پریا را طراحی کرده بودند. زمانی که پریا با دوست شاهرخ تنها شد به نیت شوم او پی برد و خیلی سریع از خانه آن مرد فرار کرد.

❖ **تجاوز گروهی**

پریا بعداً تعریف کرده و گفت: «وقتی شاهرخ از خانه دوستش خارج شد متوجه نگاه های چندش آور دوستش شدم. او قصد داشت به من نزدیک شود اما من خیلی سریع

از آنجا بیرون دویدم و فرار کردم. بعد به شاهرخ زنگ زدم و گفتم که دوستت قصد آزار و اذیت من را داشت. احساس کردم شاهرخ از شنیدن این حرف من با اینکه حالم خیلی بد بود و ترسیده بودم، چندان تعجب نکرد. توقع داشتم ناراحت شود اما خیلی عادی برخورد کرد و من از این رفتارش خیلی ناراحت شدم و گفتم دیگر به خانه ات نمی آیم. در خیابان ها سرگردان بودم که تصمیم گرفتم بار دیگر به خانه پدرم بروم.»

پریا به خانه پدری خود رفت اما شاهرخ دست بردار نبود و باز هم در تماس با او سعی کرد که دختر نوجوان را فریب دهد. در حالی که این بار نقشه هولناک تری در انتظار پریا بود.

پریا در توضیح تماس دوباره شاهرخ گفته بود: «وقتی به خانه پدرم رسیدم باز هم شاهرخ به من زنگ رد و گفت تو اشتباه می کنی، من در جریان نیت دوستم نبودم. نمی دانم او چه قصدی داشته و اگر مطمئن شوم حتماً حسایش را می رسم. شاهرخ با چرب زبانی من را قانع کرد که بار دیگر به دیدار او بروم. برای همین من با او قرار گذاشتم و پنهان از پدرم از خانه بیرون رفته و سر قرار با شاهرخ رفتم. شاهرخ به بهانه بیرون رفتن من را به باغی در حاشیه شهر برد و آنجا به همراه چند نفر از دوستانش هفت نفری به من تجاوز کردند.»

❖ **شکایت بهزیستی**

پریا با حال و خیم به بیمارستان منتقل شد و اقدام به طرح شکایت از شاهرخ و دوستانش کرد اما وقتی پدرش موضوع را فهمید شکایت را پس گرفت و به هر هفت نفر رضایت داد.

در همین حال مسئولان بهزیستی هنوز پیگیر سر نوشت پریا بودند و زمانی که متوجه شدند این دختر در بیمارستان است بالای سر او آمدند. این بار بهزیستی با طرح شکایتی از آن هفت نفر مدعی رسیدگی به پرونده شد و در گزارش شکایت خود اظهار کرد که این دختر نوجوان تحت سرپرستی بهزیستی بوده و باید به این شکایت رسیدگی شود. همچنین خواستار سلب حضانت دائمی از پدر پریا شدند. به این ترتیب رسیدگی به پرونده در شعبه سوم دادگاه کیفری یک استان تهران آغاز شد.

در حالی که شاهرخ و تعدادی از دوستانش شناسایی و بازداشت شده اند تحقیقات در این پرونده برای طی روال قانونی ادامه دارد.

فروش خود و نپسان به پایان زندگی یک مرد جوان منجر شد

خریدار دروغی، قاتل واقعی بود

با تصمیم هیئت قضایی، متهم پرونده به قصاص محکوم شد

تحت بازجویی قرار گرفت. سرانجام با اطلاعاتی که این متهم در اختیار ماموران قرار داد یکی از عاملان قتل داوود دستگیر شد و به ارتکاب جنایت در حین سرقت اقرار کرد اما دوست او همچنان متواری است. متهم در برخورد ابتدایی با ماموران پلیس گفت: «ما یک باند سرقت نپسان هستیم و قصد ما فقط دزدیدن ماشین بود. اما فردی که برای نشان دادن خودرو آمده بود وقتی از نیت ما با خبر شد مقاومت خیلی شدیدی کرد و رفیقم مجبور شد به سمت او اسپری اشک آور بزند. با این حال او باز هم دست از مقاومت برنمی داشت. بالاخره من که پشت فرمان خودرو بودم مجبور شدم گاز دهم که همان موقع خودرو از روی آن مرد جوان عبور کرد.» بعد از اینکه پرنده روال قانونی را طی کرد، متهم برای محاکمه به شعبه سیزدهم دادگاه کیفری یک استان تهران رفت. این در حالی بود که همدست او همچنان متواری است.

❖ **در دادگاه**

در ابتدای جلسه رسیدگی پدر و مادر داوود به عنوان اولیای دم تقاضای قصاص قاتلین فرزندشان را کردند. سپس دوست داوود در جایگاه حاضر شد و شکایت خود را بابت سرقت خودرویش عنوان کرد. سپس نوبت به متهم شد که از خود دفاع کند و گفت: «من اتهام سرقت ها را قبول دارم اما اتهام قتل عمدی را قبول ندارم. روز حادثه ما ابتدا می خواستیم به بهانه کارشناسی رنگ ماشین را سرقت کنیم اما مقتول اصلاً

از پشت ماشین پیاده نشد. بعد به بهانه تست کردن از او خواستیم پشت فرمان بنشینیم و او کنارم نشست. وسط اتوبان به او گفتم ما از همین جا با اسنپ می رویم و فردا برای معامله تماس می گیریم. وقتی پیاده شد که دوباره پشت فرمان بنشیند شروع به حرکت کردم اما او خیلی سریع به سمت در ماشین برگشت و فریاد می زد دره، دره. دوستم به او اسپری فلفل زه اما او از در خودرو و آویزان شده بود. من که می ترسیدم با سر و صدای او مردم به سمت ما بیایند گاز دادم. یکدفعه حس کردم ماشین از روی چیزی رد شد اما من اصلاً قصد زیر گرفتن مقتول را نداشتم.»

در همین حال به اتهام متهم فراری نیز به صورت غیابی رسیدگی شد و قضات دادگاه بعد از محاکمه متهم برای صدور رای وارد شور شدند. هیئت قضایی پس از مشورت متهم را به قصاص محکوم کرده و متهم فراری نیز به حبس محکوم شد.



